

فقرزدایی از منظر اسلام و اصلاحات ساختاری اقتصاد ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۹/۱۹ محمدجواد محقق‌نیا *

مرتضی صالحی **

چکیده

فقر عوامل مختلف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی دارد. بررسی منابع اسلامی با موضوع فقر و فقرزدایی، نشان می‌دهد که از دیدگاه اسلام فقرزدایی در سطوح مختلفی باید جریان یابد و به کمک‌های نقدی خلاصه نمی‌گردد؛ بلکه مجموعه‌ای از راهکارهاست که هرکدام به‌تنهایی توانایی ریشه‌کن کردن فقر را ندارد و در تعامل با سایر راهکارهاست که فقر را ریشه‌کن خواهد کرد. از این رو تحقیق حاضر بیش از آنکه نوآوری در محتوای فقرزدایی از منظر اسلام داشته باشد، نوآوری در ساختار فقرزدایی از منظر اسلام محسوب می‌شود. بررسی راهکارهای فقرزدایی در منابع اسلامی و اقتصاد ایران، با نگرش سیستمی، نشان‌دهنده وجود کمبودهای ساختاری در اقتصاد ایران برای مقابله با فقر می‌باشد. ناهماهنگ بودن ساختار تولید، فرهنگ مصرف، نظام حقوق و دستمزد، نظام تأمین اجتماعی و نظام مالیاتی با هدف فقرزدایی چند مورد از این کمبودهاست که نیازمند اصلاح است. پیشنهادهای اصلاحی عبارتند از: تعیین حداقل حقوق به میزان بالاتر از میزان خط فقر، اصلاح شیوه‌های اجرای قراردادهای کار و ایجاد مشوق‌های لازم برای قراردادهای مشارکتی، اصلاح ساختار تأمین اجتماعی جهت تحت پوشش قراردادن اقشار فقیر و ناتوان از پرداخت حق بیمه، اصلاح نظام مالیاتی و تعدیل

*. استادیار اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبایی (ره).

** . دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه غیردولتی عدالت (salehi82@yahoo.com)

نرخ مالیات در دوران‌های رونق و رکود، اصلاح ساختار تولید و ایجاد مشوق‌های لازم برای تولید با کیفیت و غیرمصرفانه، اصلاح الگوی مصرف با فرهنگ‌سازی در سطح خانوارها.

واژگان کلیدی: فقر، فقرزدایی در اسلام، نگرش سیستمی، اسلام و فقر، فقر در ایران، ایران و فقر.

مقدمه

مبارزه با فقر و ریشه‌کن کردن آن در جامعه یکی از آرمانهای هر نظام اقتصادی می‌باشد، به گونه‌ای که موفقیت در مبارزه با فقر، به‌عنوان یکی از معیارهای موفقیت نظام‌های اقتصادی، ارزیابی می‌شود. انواع مختلفی از فقر قابل تصور است فقر اقتصادی، فرهنگی، علمی و... ولی آنچه معمولاً با شنیدن واژه فقر به ذهن می‌آید فقر اقتصادی است. فقر اقتصادی از دیدگاه اسلام به‌عنوان یکی از موانع اصلی پیش روی جامعه برای رسیدن به تعالی محسوب می‌شود. در منابع اسلامی روایات بسیاری از معصومین (ع) در مذمت فقر وارد گردیده و به ضرورت مبارزه با فقر در جامعه اسلامی تأکید گردیده است. در معارف اسلامی فقر عامل کفر،^۱ نقص در دین،^۲ ضعف در یقین، سلب شخصیت آدمی، پریشانی فکر، خواری، بی‌آبرویی، نقصان عقل،^۳ ناامیدی و سستی اراده، انزوا و... دانسته شده است (میسمی، ۱۳۸۸: ۳۰-۳۲). چنین تعبیری نشان‌دهنده لزوم مقابله با فقر به‌عنوان یکی از موانع جدی گسترش خداواری و دین‌پذیری در جامعه اسلامی می‌باشد، و یکی از ویژگی‌های آرمان‌شهر عصر ظهور ریشه‌کن شدن فقر برشمرده شده است.

آنچه در این تحقیق به آن خواهیم پرداخت، فقط بیان روایات فقرزدایی از منظر اسلام نخواهد بود؛ بلکه بازتعریفی از دستورهای فقرزدایی دین اسلام در چارچوب نگرش سیستمی به روایات مربوطه و ارائه تصویری نظام‌مند از برنامه فقرزدایی اسلام خواهد بود. آنگاه با استفاده از رهیافت‌های به‌دست آمده، سعی در آسیب‌شناسی و ارائه

۱. امام صادق (ع) از رسول اکرم (ص) نقل کرده‌اند: «کاد الفقر ان یكون کفراً» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص ۳۰۷).

امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: «الفقر طرف من الکفر» (حکیمی، ۱۳۸۰: ج ۴، ص ۲۲۲).

۲. قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ لِلْحَسَنِ ع: «أَلَا تَلْمُ إِنْسَانًا يَطْلُبُ قُوَّتَهُ فَمَنْ عَدِمَ قُوَّتَهُ كَثُرَ خَطَايَاهُ يَا بَنِي الْفَقِيرِ حَقِيرٌ لَا يُسْمَعُ كَلَامُهُ وَلَا يُعْرَفُ مَقَامُهُ وَ لَوْ كَانَ الْفَقِيرُ صَادِقًا يُسْمَوْنَهُ كَاذِبًا وَ لَوْ كَانَ زَاهِدًا يُسْمَوْنَهُ جَاهِلًا يَا بَنِي مَنْ ابْتَلِيَ بِالْفَقْرِ فَقَدْ ابْتَلِيَ بِأَرْبَعِ خِصَالٍ بِالضَّعْفِ فِي يَقِينِهِ وَ النَّفْصَانِ فِي عَقْلِهِ وَ الرَّفَّةِ فِي دِينِهِ وَ قَلَّةِ الْحَيَاءِ فِي وَجْهِهِ فَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْفَقْرِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۶۹، ص ۴۸).

۳. همان.

پیشنهادهای اصلاحات ساختاری در اقتصاد ایران خواهیم داشت. بخش اول مقاله با تعریف فقر و شاخص‌های آن آغاز می‌گردد و با نگرش سیستمی به منابع اسلامی در خصوص فقرزدایی، و بررسی عوامل فقر، راهکارهای ریشه‌کن نمودن آن بیان می‌گردد و نشان داده می‌شود که از نظر اسلام برای ریشه‌کن شدن فقر، علاوه بر پرداخت‌های نقدی به فقرا، اصلاح ساختارهای اقتصادی، در زیرنظام‌های تولید، توزیع و مصرف، به نحوی که مانع تولید فقیر در جامعه گردند، ضروری است. در بخش پایانی، با مروری اجمالی بر فقرزدایی در اقتصاد ایران تلاش شده است با تکیه به توصیه‌های اسلام در مبارزه با فقر، به شناسایی ساختارهای تولیدکننده فقر در اقتصاد ایران پرداخته و پیشنهادهای اصلاح ساختاری برای فقرزدایی در اقتصاد ایران، ارائه گردد.

۱. پیشینه تحقیق

تحقیقات مختلفی در خصوص فقر و فقرزدایی در اسلام و ایران صورت گرفته است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌نماییم. محمد سروش (۱۳۷۵) در مقاله «فقه و تعیین خط فقر» تلاش نموده است با استناد به فقه شیعه و منابع آن، با برشمردن ملاک‌های ثابت و متغیر فقر در اسلام معیارهایی برای محاسبه خط فقر اسلامی ارائه دهد (سروش، ۱۳۷۵: ۶۱-۸۳). حسن بنیانیان در مقاله «چارچوب نظری شیوه‌های فقرزدایی در ایران اسلامی»، ضمن تعریف فقر معتقد است: ۱. زمینه‌سازی برای رشد تولید و خدمات مفید در جامعه؛ ۲. متعادل‌سازی امکان مصرف کالا و خدمات؛ ۳. هدایت و کنترل نیازهای شدید در جامعه؛ ۴. متعادل‌سازی احساس نیازهای در اقشار مختلف، چهار محور ضروری برای رفع فقر در جامعه است که در تحقق آنها باید فقرزدایی در جریان تمام تصمیمات کوچک و بزرگ اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مدیریتی مربوط به برنامه‌ریزی و اجرای عملیات مربوطه، این مسئله مدنظر باشد. آنگاه به تشریح محورهای فوق و معضلات

پیش روی عملیاتی کردن آنها می‌پردازد (بنیانیان، ۱۳۷۵: ۱۰۸-۱۲۸).

حسینی (۱۳۸۱) در «کتاب فقر و توسعه در منابع دینی» با استناد به آیات و روایات متعدد، به بررسی علل فقر و توسعه‌نیافتگی جوامع، از دیدگاه منابع اسلامی می‌پردازد. از این رو به تعریف توسعه و انواع فقر و علل آنها می‌پردازد و عواملی همچون نظام سیاسی - اجتماعی حاکم، فقر فرهنگی، سلطه‌جویی، توزیع نابرابر امکانات، عوامل طبیعی، استکبار جهانی، نظام سرمایه‌داری، ضعف فنی - صنعتی و عواملی از این دست را به عنوان علل فقر و توسعه نیافتگی برمی‌شمارد و راهکارهایی همچون دگرگونی یا اصلاح نظام سیاسی، کار و تلاش، توسعه انسانی، خودکفایی و خوداتکایی، تحول در کشاورزی توسعه صنعتی و فنی را برای خروج از مدار فقر و توسعه‌نیافتگی پیشنهاد می‌دهد.

دفتر بررسی‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۸۲) در گزارش «فقر و فقرزدگی در ایران، وضعیت نابرابری‌های درآمدی و اشتغال در ایران» با استناد به آمار سرشماری سال ۱۳۶۵ به گستردگی فقر و نابرابری درآمدی در ایران اشاره کرده و با زیرسوال بردن الگوهای توسعه به کارگرفته شده در ایران، عوامل مختلفی را برای این ناکارآمدی بر می‌شمرد. ساختار مالیاتی ناکارا، ساختار تأمین اجتماعی ناکارآمد و تورم و بی‌توجهی به انتخاب الگوی تولید مطلوب در ایران به عنوان عوامل اصلی نابرابری و در نتیجه فقر در ایران دانسته شده است. تغییر ترکیب تولیدات جامعه به سمت تولیدات لوکس و کالاهای موردنیاز قشر ثروتمند، عدم امکان سرمایه‌گذاری برای تربیت نیروی خلاق و نبود تقاضای کافی که عامل بی‌انگیزگی در دستیابی به رشد تولید گردیده، از دیگر آثار گسترش فقر در ایران دانسته شده است.

غروی نخجوانی (۱۳۸۴) در مقاله «فقر در خانوارهای ایرانی» با کمک از نظریه انگل در اندازه‌گیری فقر به بررسی هزینه درآمد در خانوارهای ایرانی پرداخته و به این نتیجه می‌رسد که با وجود اینکه ساختار مصرف خانوارهای ایرانی تغییر کرده، این تغییر به دلیل فشارهای اقتصادی بوده است، نه بهبود وضعیت اقتصادی آنها.

پرویز پیران (۱۳۸۴) با تبیین وجود رابطه میان فقر و جنبش‌های اجتماعی، بیان می‌دارد که امروزه نیز این رابطه همچنان پایدار است، ولی جنبش‌های اجتماعی خشونت‌ستیزتر شده‌اند و اگر دولت‌ها به‌صورت هوشمندانه این جنبش‌ها را مدیریت نکنند، قابلیت تبدیل به جنبش‌های خشن را نیز دارند.

سعید فراهانی‌فرد (۱۳۸۷) در کتاب نگاهی به فقر و فقرزدایی از دیدگاه اسلام، در بخش درمان فقر و پیشگیری از آن، در شیوه بلندمدت مبارزه با فقر معتقد است که باید زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، طبیعی و اقتصادی بروز فقر را شناسایی نموده و از بین برد. وی عوامل اجتماعی و فرهنگی بروز فقر را مواردی چون تبلی، بی‌برنامگی، دیدگاه نادرست درباره دنیا و آخرت، خودباختگی، ترویج گناه در جامعه، اعتیاد و تکدی برمی‌شمرد و راه مقابله با آن را ارائه تعلیمات صحیح دینی، در کنار فراهم آوردن امکانات ورزشی، علمی و آموزشی می‌داند. در مقابله با عوامل طبیعی اقدامات ایمنی و پیشگیرانه در کنار تقویت سیستم تأمین اجتماعی در پوشش دادن از کارافتادگان را پیشنهاد می‌دهد. ایشان در مقابله با عوامل اقتصادی فقر، توزیع ناعادلانه ثروت، تورم و فقدان امکانات شغلی، ضعف مدیریت و تخصص نیروی انسانی، بازدهی پایین و عدم کارایی در تخصیص منابع را از عوامل اقتصادی فقر برمی‌شمرد و معتقد است توزیع عادلانه ثروت نشئت گرفته از رعایت اصول اسلامی در توزیع پیش از تولید، هنگام تولید و بعد از تولید موجب کاهش فقر خواهد گردید. در توزیع هنگام تولید معتقد است برخلاف نگاه نظام سرمایه‌داری در اسلام سرمایه‌ای که در ریسک مشارکت نداشته باشد بهره‌ای از سود ندارد و درعین حال نیروی کار می‌تواند از طریق قرارداد اجاره یا مشارکت به سهم خود از سود دست یابد. ایشان در فرایند توزیع بعد از تولید نیز معتقد است از دیدگاه اسلام معیار توزیع مجدد درآمد «نیاز» افراد است. سپس سیاست‌های درمان فقر را در دو محور ۱. فراهم آوردن زمینه‌های اشتغال برای تهیدستانی که توان فعالیت اقتصادی دارند. ۲. تقویت و تثبیت سیستم تأمین اجتماعی برای تحت پوشش قراردادن از کارافتادگان و... تبیین می‌نماید.

مدنی قهفرخی (۱۳۹۲) در کتاب ضرورت مبارزه با پدیده فقر و نابرابری در ایران به بررسی پدیده فقر و نابرابری در ایران و راهکارهای مقابله با آن در جهان پرداخته و ضمن بررسی برنامه‌های مختلف فقرزدایی در اقتصاد ایران به بررسی راهکارهای مبارزه با فقر در برنامه‌های توسعه ایران می‌پردازد و آسیب‌شناسی برنامه‌ای در مسئله فقرزدایی در ایران را بررسی می‌کند.

با توجه به آنچه ارائه گردید، می‌توان دریافت تحقیقاتی که درباره فقر از منظر اسلام نگاشته شده است، یا به دنبال بررسی موضوعی خاص در خصوص فقر بوده یا به ارائه اصول کلی برای خروج از فقر از دیدگاه اسلام پرداخته‌اند. فقط در کتاب نگاهی به فقر و فقرزدایی از دیدگاه اسلام، نویسنده به ارائه راهکارهای سیاستی در مبارزه با فقر پرداخته است. نویسنده کتاب به‌طور مختصر و تیتروار به عوامل بروز فقر و راه‌های درمان آن اشاره کرده و پیشنهادهای ارائه‌شده در خصوص فقرزدایی در این کتاب بیشتر پیشنهادهای سیاستی است، نه ساختاری.

در تحقیق حاضر تلاش بر این است که نشان دهیم راهکارهایی که برای خروج از فقر از دیدگاه اسلام ارائه شده، معرف یک سیستم فقرزدایی است، و لایه‌های مختلف سیستمی از این راهکارها قابل شناسایی است. آنگاه با آسیب‌شناسی مبارزه با فقر در ایران، راهکارهای اصلاحی استخراج‌شده از الگوی اسلامی بیان می‌شود.

۲. اسلام و مبارزه با فقر

روش‌های مختلفی برای مبارزه با فقر وجود دارد که یکی از متداول‌ترین این روش‌ها، حمایت مستقیم مالی از فقراست. یکی دیگر از روش‌های مبارزه با فقر، مبارزه همه‌جانبه و ساختاری با آن است. در این رویکرد شناسایی ساختارهای مولد فقر و اصلاح آنها اولویت دارد؛ هرچند ممکن است در این فرایندها، حمایت مالی از فقرا نیز در دستور کار قرار داشته باشد. تجربه دیگر کشورها نیز نشان می‌دهد هر طرحی که با اصلاح ساختارهای اقتصادی و فرهنگی به مبارزه با فقر روی آورده، موفقیت‌های

چشمگیرتری به دست آورده؛ تجربه کشور مالزی در مبارزه با فقر از این نوع است.

۳. انواع فقر

پیش از ورود به شیوه‌های مبارزه با فقر از دیدگاه اسلام، لازم است فقر را تعریف نموده و انواع آن را بشناسیم.

فقر در فرهنگ لغت دهخدا به معنای اندوه، درویشی، خلاف غنی آمده و آن را عبارت از نداشتن مایحتاج تعریف کرده است. همچنین بی‌چیزی، ناداری، نداشت، نداشتی از دیگر معانی فقر است. وجه مشترک بین تمام برداشت‌های موجود از فقر، تصور «فقدان» یا «کمبود» است (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه فقر). تعبیرهای مختلف فقر ناظر به فقر اقتصادی هستند که متبادر از کلمه فقر نیز همین معناست. باوجود این فقر در حوزه‌های دیگری نیز تعریف شده است که به‌عنوان نمونه می‌توان از فقر فرهنگی، فقر علمی و... اسم برد. آنچه در این تحقیق از کلمه فقر مورد نظر است، همان معنای فقر اقتصادی می‌باشد.

۴. شاخص‌های فقر

در ادبیات فقر، شاخص‌های مختلفی برای شناسایی فقر تعریف گردیده است که به‌طور خلاصه به معرفی برخی از مهم‌ترین این شاخص‌ها می‌پردازیم.

الف) فقر شدید: افراد برای سیری شکمی به حداقلی از درآمد نیاز دارند و به کسانی که فاقد این درآمد باشند، فقیر شدید می‌گویند. معیار درآمد یک دلار در روز برای محاسبه این نوع فقر در سال ۱۹۹۰ از سوی بانک جهانی معرفی شده است.

ب) فقر مطلق: برای سنجش فقر مطلق، تمام نیازهای اساسی اولیه علاوه بر آنچه در خط فقر شدید (سیری شکمی) ملاک بود، در نظر گرفته می‌شود. روش معمول در محاسبه خط فقر مطلق تخمین زدن یک سبد غذایی لازم و ضروری برای سلامت جسمی خانوار به علاوه مبلغی به‌عنوان هزینه‌های اضافی غیرغذایی می‌باشد.

ج) فقر نسبی: پایین‌تر بودن درآمد فرد از متوسط درآمد جامعه است.
 د) فقر قابلیت: در این رویکرد فقر به معنای محرومیت از قابلیت یا ناتوانی خروج از وضعیت فقر تعریف می‌گردد. از این رو فقر قابلیت شامل بی‌سوادی، فقدان آموزش، سوء تغذیه، تبعیض‌های جنسیتی و مانند آن می‌باشد.
 ه) فقر مرحله‌ای: فقری است که در مرحله‌ای خاص از زندگی به سبب بیماری یا عارضه خارجی پیش می‌آید (مدنی قهفرخی، ۱۳۹۲: ۴۳-۵۲).
 معیارهای دیگری از فقر نیز تعریف شده است که با توجه به تفاوت نوع نگاه آنها به فقر و رعایت اختصار، از ذکر آنها در اینجا می‌پرهیزیم.

۵. فقر از دیدگاه اسلام

در اسلام فقیر به فردی گفته می‌شود که وضعیت زندگی‌اش با زندگی متعارف و متداول جامعه فاصله داشته باشد. به عبارت دیگر فقیر کسی است که حد «کفاف» برایش فراهم نباشد. در تعریف کفاف گفته شده: «کفاف به سطحی از مصرف گفته می‌شود که نیازهای انسان را برطرف کند. از آنجاکه این سطح از مصرف مانع درخواست از دیگران است، به آن «حد کفاف» گفته شده است» (رجایی، ۱۳۹۴: ۱۲۸).

در دین اسلام، حد کفاف، یک معیار نسبی است که برای افراد مختلف بسته به شأن و منزلت اجتماعی، تفاوت دارد. در منابع اسلامی در پرداخت زکات به فقیر آورده شده است که باید ملاحظه شأن و عادت او را نمود و حتی اگر کسی که دارای زمین، خانه و عبد می‌باشد، ولی از عهده مخارج سال خود برنیاید، می‌توان از زکات به او پرداخت نمود (طباطبایی یزدی، ج ۴: ۹۹).^۱

سنجش فقر در اسلام، از دیرباز مورد توجه بوده است. شاخص فقر در اسلام در پرداخت زکات به فقرا و شناسایی کسانی که زکات به آنها تعلق می‌گیرد، کاربرد داشته

۱. «فمن كان عنده ضيعة أو عقال أو مواش أو نحو ذلك... إذا كان أقل من مقدار كفاية سنته يجوز له أخذها» (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ ق: ج ۴، ص ۹).

است. با این حال برای شناسایی معیار فقر در اسلام اختلافاتی وجود دارد. گروهی از فقهای شیعه معیار فقر را در حد تعلق زکات دانسته‌اند؛ به این معنی که اگر ثروت فرد به ارزش یک نصاب زکات (۲۰۰ درهم یا ۲۰ دینار) نرسد، فقیر محسوب می‌شود. اما صاحب شرایع با استدلال به آیات قرآن فقر را حد عدم کفایت می‌داند. علامه حلی فقر را «درآمدی کمتر از کفایت در یک سال» تعریف می‌کند، و برای اولین بار قید زمان را در تعریف فقر به کار می‌برد (مدنی قهفرخی، ۱۳۹۲: ۳۲).

امروزه نیز عالمان دینی معیار فقر را کمبود درآمد از مخارج سالانه می‌دانند و معتقدند: «کسانی که صنعت، ملک، سرمایه و کسبی دارند که زندگی آنها را اداره نمی‌کند، فقیر محسوب می‌شوند» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۹ ق: ۳۰۶).

از دیدگاه فقیهان شیعه ملاک غنا، آن است که دارایی و درآمد فرد نزدیک به میانگین متعارف جامعه باشد و هرکس که کمتر از این مقدار داشته باشد، فقیر دانسته می‌شود (باقری و دیگران، ۱۳۸۶: ۴۵).

از مقایسه معیارهای فقر در فقه شیعه - به عنوان منبع استخراج نظام اقتصادی اسلام - با معیارهای اقتصاد متعارف می‌توان دریافت که اولاً ملاک فقر، در نظام اقتصادی اسلام، فقر درآمدی است و ثانیاً شاخص فقر از نظر اسلام بالاتر از سطح فقر شدید و مطلق تعریف می‌شود و شاید بتوان آن را در سطح فقر نسبی برآورد نمود. با وجود این جای یک معیار عینی و ملموس از دیدگاه اسلامی، برای سنجش فقر و مقایسه آن با شاخص‌های مطرح شده در برآورد فقر خالی است.

۶. فقرزدایی در اسلام

در دین اسلام دستورهای متنوعی برای مبارزه با فقر وجود دارد که طیف وسیعی از راهکارها، از پرداخت‌های مستقیم به فقرا تا انجام اصلاحات ساختاری جهت رفع فقر را شامل می‌شود. این طیف گسترده از دستورها، در واقع ارائه‌دهنده ساختاری خاص برای مبارزه با فقر است. در این ساختار، آنچه به عنوان مؤلفه‌های مبارزه با فقر از منظر اسلام

شناخته می‌شوند، به‌تنهایی در کاهش فقر مؤثرند؛ اما زمانی نتیجه موردنظر اسلام را خواهند داشت که در کنار سایر مؤلفه‌های مبارزه با فقر، و به‌صورت نظام‌مند به اجرا درآیند.

الگوبرداری از ساختار پیشنهادی اسلام در مبارزه با فقر، نیازمند شناخت مؤلفه‌های مبارزه با فقر، سطح اهمیت - فردی یا ساختاری - این مؤلفه‌ها در فقرزدایی و درنهایت شناخت شرایط لازم برای فقرزدایی، در هریک از زیرنظام‌های اقتصاد می‌باشد. روشی که بتواند همه این ویژگی‌ها را داشته باشد، به‌عنوان روش بررسی سیستمی شناخته می‌شود که مبتنی بر نگرش سیستمی می‌باشد. نگرش سیستمی، در واقع نوع متفاوتی از نگاه به پدیده‌هاست که در تبیین ابعاد کلان یک شیء کاربرد دارد و به نگرش کلان‌نگر نیز شهرت دارد. ضرورت وجود نگرش سیستمی برای مبارزه با فقر، پیشتر نیز مورد تأکید سایر تحقیقات بوده است.

۷. تبیین نگرش سیستمی

امروزه در بسیاری از تحقیقات، واژه سیستم و نگرش سیستمی، با انحراف از معنای علمی خود، به معنای نگاه چندبعدی به یک مسئله به کار رفته است. درحالی‌که نگرش سیستمی در واقع نوعی نگاه خاص و کلان به یک پدیده است که نتیجه به‌کارگیری آن، دیدن ابعاد پنهان پدیده‌هاست. در نگرش سیستمی به‌جای تجزیه یک شیء به اجزای کوچک‌تر، به آن شیء به‌عنوان یک کل نگریسته و تلاش می‌شود تا محیط اطراف و مجموعه‌ای که آن شیء در درون آن قرار دارد، شناسایی گردد. در نتیجه از این طریق شناخت متفاوت‌تری از آن شیء به دست می‌آید.

نگرش سیستمی، بررسی پدیده‌ها از طریق در نظر گرفتن کلیت آنهاست... می‌توان گفت که این نگرش، آمیزه جدیدی از روش‌های قیاسی و استقرایی است که می‌تواند ضمن دارا بودن محاسن هردو، فاقد عیوب آنها باشد؛ زیرا در آن، هم کلیت پدیده و هم ارتباط بین اجزای تشکیل‌دهنده آن مورد توجه قرار می‌گیرد (زاهدی، ۱۳۸۳: ۲۳).

به عبارت دیگر در این نوع نگاه، یک پدیده بدون اینکه به اجزای کوچک تر تجزیه شود، به عنوان یک جزء از یک مجموعه بزرگ تر دیده می شود (جزئی از یک سیستم)، و با شناخت مجموعه شامل، ارتباطات آن پدیده با محیط اطرافش شناسایی می گردد. در عین حال اهدافی که بر این پدیده حاکم است نیز روشن می گردد.

برای مثال در بررسی یک پدیده به نام درخت، در روش تحلیلی تلاش می شود که با شناخت اجزای آن درخت به شناخت درخت پی برد، فارغ از اینکه این درخت چه ارتباطی با محیط اطراف خود دارد. در نگرش سیستمی به پدیده درخت، بدون در نظر گرفتن اینکه درخت از چه اجزایی تشکیل شده است، به آن به عنوان یک کل و یک شی واحد نگریسته می شود، که دارای محیط پیرامونی است. در این نگرش محقق با نگاه از بالا به درخت، به دنبال شناسایی محیط پیرامونی آن و نحوه ارتباط این درخت با محیط اطراف و نقش درخت در آن محیط می باشد. برای مثال اگر این درخت به عنوان یک درخت در محیط جنگل شناسایی شود، ارزیابی متفاوت تری از آن خواهیم داشت تا تک درختی که در بیابان روئیده باشد.

فرایند برنامه ریزی برای یک جزء در یک سیستم علاوه بر نگرش سیستمی، نیازمند داشتن تفکر سیستمی نیز می باشد. «تفکر سیستمی، مستلزم تجزیه و تحلیل کارکردی عناصر سیستم است» (رضایان، ۱۳۹۱: ۶۸). در تفکر سیستمی، شناخت اهداف نظام و سپس سلسله مراتب شکل گرفته در آن نظام اهمیت بالایی دارد.

برای اعمال تفکر سیستمی شناخت اهداف سیستم، دارای اولویت اول است. اهمیت تعیین اهداف در آن است که در یک سیستم، اهداف، حاکم بر روابط درون سیستم هستند.

اگر یک جزء را در یک نظام ملاحظه کنیم، باید بین این جزء و سیستم شامل بر آن و سیستم های تحت شمول آن، هم جهتی در هدف باشد. به عبارت دیگر «هدف یک جزء» و «اهداف سیستم شامل بر آن» و «اهداف سیستم های تحت شمول آن» نباید نقیض یکدیگر باشند (مسعود درخشان، ۱۳۸۷: ۵۳).

وجود سلسله‌مراتب در یک سیستم به این معناست که «هر پدیده‌ای که به شکل معنادار، یک کل شناخته می‌شود، از پدیده‌های کوچک‌تری که هریک از آنها نیز کل دیگری است، تشکیل می‌شود» (هیچینز، ۱۳۷۶: ۲۳). این سلسله تا پایین‌ترین سطوح سیستم ادامه خواهد داشت. سلسله‌مراتب مجرای جریان اهداف نظام شامل (فوقانی)، بر همه زیرسیستم‌ها محسوب می‌شود.

برای مثال یک خودرو، از دو جزء بدنه و موتور تشکیل شده است که هر کدام از زیر مجموعه‌های کوچک‌تری تشکیل شده‌اند. اگر هدف از ساخت خودرو جابه‌جایی افراد با سرعت و امنیت باشد، هدف زیرسیستم موتور، ایجاد قدرت لازم برای جابه‌جایی و هدف زیرسیستم بدنه، ایجاد آرامش و امنیت برای سرنشینان آن خواهد بود. درعین حال موتور و بدنه خودرو، خود سیستمی‌هایی متشکل از زیر سیستم‌های دیگر است، با این تفاوت که هدف اصلی موتور یعنی تولید قدرت، بر زیرسیستم‌های موتوری حاکم است و این زیرسیستم‌ها (بدون بر هم زدن امنیت) باید به ایجاد مؤلفه‌های تولید قدرت پردازند. ازسوی دیگر هریک از اجزای بدنه نیز باید به ایجاد امنیت و آرامش یا مؤلفه‌های آن (بدون مزاحمت در ایجاد قدرت) برای سرنشینان طراحی گردند. هرگونه اختلال در انجام وظیفه منجر به اختلال در رسیدن به هدف اصلی یعنی جابه‌جایی با امنیت می‌گردد.

بررسی نظام اقتصادی اسلام با این نگاه مستلزم آن است که نظام اسلامی به‌عنوان سیستم شامل بر نظام اقتصادی و به‌مثابه یک سیستم اجتماعی، متشکل از زیرسیستم‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در نظر گرفته شود. هریک از این زیرسیستم‌ها برای تأمین اهداف سیستم شامل خود، یعنی اهداف نظام اسلامی طراحی شده‌اند، و نسبت به تأمین اهداف نظام در حیطه تخصصی خود مسئولیت دارند. برای نمونه اگر عدالت به‌عنوان هدف نظام اسلامی تعیین شده باشد، نظام اقتصادی اسلام مسئول تأمین عدالت اقتصادی در جامعه اسلامی است، آنگاه محورهای عدالت اقتصادی، اهداف زیرمجموعه‌های نظام اقتصادی خواهند بود. این جریان تا پایین‌ترین سطوح نظام که سطح فردی باشد، ادامه

خواهد داشت.

از دیدگاه اسلامی، عدالت به عنوان هدف نظام اسلامی، قابل تقسیم به مؤلفه‌هایی است که عدالت اقتصادی یکی از این مؤلفه‌هاست. عدالت اقتصادی نیز خود دارای محورهایی است که «مبارزه با فقر» یکی از محورهای آن می‌باشد.^۱ از این رو مبارزه با فقر به عنوان هدف نظام اقتصادی اسلام معنا دار می‌شود.

نظام اقتصادی به طور مستقیم متکفل مبارزه با فقر است و سایر زیرنظام‌های اسلامی که در عرض نظام اقتصادی قرار دارند، به حکم عضویت در سیستم اسلامی به طور غیرمستقیم موظف به مبارزه با فقر می‌باشند. بدین معنا که همه نهادهای فعال و زیرنظام‌های نظام اسلامی، باید سیستم را در دستیابی به اهداف خود یاری رسانند. این یاری رساندن می‌تواند به صورت ایجابی و سلبی باشد. همکاری ایجابی به معنای انجام فعالیت‌های مستقیم برای مبارزه با فقر و مراد از همکاری سلبی خودداری زیرنظام‌ها از فعالیت‌های مولد فقر می‌باشد.

۸. مبارزه سیستمی با فقر در نظام اقتصادی اسلام

اگر یک شمای کلی از نظام اسلامی در اختیار داشته باشیم، می‌توانیم نشان دهیم که هریک از دستورهای وارد شده در منابع اسلامی درخصوص فقرزدایی، مربوط به کدام سطح از نظام اسلامی هستند. برای این منظور تصور می‌کنیم که نظام اسلامی دارای زیرنظام‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بوده و زیرنظام اقتصادی نیز شامل بخش‌های تولید، توزیع و مصرف باشد. مبارزه با فقر به عنوان یکی از اهداف نظام اقتصادی، بر تمام بخش‌های این نظام حاکم است و هر بخشی موظف به مبارزه با فقر در دایره مسئولیت خویش است. از این رو مبارزه با فقر در حوزه‌های تولید، توزیع و مصرف معنا دار می‌شود.

۱. برای مطالعه بیشتر رک: توکلی، محمدجواد و مرتضی صالحی، «تحلیل سیستمی نظام بانکی»، ویژه‌نامه اقتصادی معرفت، شماره ۲۱۸، ۱۳۹۴.

۸.۱. مبارزه با فقر در حوزه تولید

با رجوع به روایات ناظر به ریشه‌های فقر در بخش تولید می‌توان به دو دسته ریشه‌های فردی و ساختاری بروز فقر در بخش تولید رسید.

۸.۲. مقابله با عوامل فردی بروز فقر در بخش تولید

برخی از عوامل فردی بروز فقر که در بخش تولید متجلی می‌شود و در اسلام به آن اشاره شده، عبارت است از:

۸.۲.۱. بیکاری و تن‌پروری نیروی کار

در منابع اسلامی روایات فراوانی اشاره دارد بر اینکه بیکاری و تن‌پروری یکی از عوامل بروز فقر است. این عامل، علاوه بر ادله نقلی از پشتیبانی دلیل عقلی نیز برخوردار است. در منظومه دستورهای اسلامی، کار و تلاش به‌عنوان روندی مشروع در دستیابی به روزی حلال شناخته می‌شود، بالطبع تن‌پروری و خانه‌نشینی مانع دستیابی به روزی حلال گردیده و در نتیجه منجر به بروز فقر درآمدی در جامعه می‌گردد.^۱

از روایات اسلامی برمی‌آید که بیکاری به معنای شانه خالی کردن از مسئولیت‌پذیری، علاوه بر تأثیر مستقیم در بروز فقر، به صورت غیرمستقیم نیز در آن مؤثر است. تن‌به‌کار ندادن موجب تحلیل رفتن قوای فردی و بروز بیماری‌های صعب‌العلاج و لاعلاج در

۱. «قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع إِنَّ الْأَشْيَاءَ لَمَا أزدَوَجَتْ أزدَوَجَ الْكَسَلُ وَالْعَجْزُ فَنَتَجَا بَيْنَهُمَا الْفَقْرُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۵، ص ۸۶).

- عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي خَلْفٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى ع قَالَ: «قَالَ أَبِي ع لِبَعْضِ وُلْدِهِ إِبْرَاهِيمَ وَالْكَسَلُ وَالضَّجْرَ فَإِنَّهُمَا يَمْتَعَانِكَ مِنْ حَظِّكَ مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» (همان: ص ۸۵).

- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: «إِنِّي لَأَبْغِضُ الرَّجُلَ أَوْ أَبْغِضُ لِلرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ كَسَلَانًا [كَسَلَانَ] عَنْ أَمْرِ دُنْيَاهُ وَ مِنْ كَسَلٍ عَنْ أَمْرِ دُنْيَاهُ فَهُوَ عَنْ أَمْرِ آخِرَتِهِ أَكْسَلٌ».

- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «أَرْبَعَةٌ لَأَنْتَسْتَجَابَ لَهُمْ دَعْوَةٌ... الرَّجُلُ جَالِسٌ فِي بَيْتِهِ يَقُولُ: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي، فَيَقَالُ لَهُ: أَلَمْ أَمُرْكَ بِالطَّلَبِ؟».

دوران پیری می‌گردد و فرد را در معرض بروز فقر ادواری نیز قرار می‌دهد. اما از آنجایی که این مسئله به انتخاب فردی بستگی دارد، اسلام برای مقابله با این معضل، سعی در ترغیب افراد به تلاش و کوشش در به دست آوردن رزق حلال داشته و دستورهای بسیاری در نهی از تن‌پروری و تنبلی صادر نموده و مجازات‌های دنیوی و اخروی این مسئله را گوشزد می‌نماید تا از این طریق انگیزه‌های فرد را برای مشارکت در بازار کار تقویت نماید.

۸,۳. مقابله با عوامل ساختاری بروز فقر در بخش تولید

۸,۳,۱. ممنوعیت اخذ بهره در بازار سرمایه

ممنوعیت بهره برای سرمایه از آن جهت که در بخش تولید اتفاق می‌افتد، یکی از مسائل بخش تولید محسوب می‌گردد و از آن جهت که تغییری در بازتوزیع منابع به شمار می‌رود می‌توان آن را یک مسئله توزیعی دانست. ذکر این مسئله در بخش تولید به این دلیل است که در اقتصاد متعارف، بهره به‌عنوان درآمد ثابت برای سرمایه‌های به‌کارگرفته‌شده در بخش تولید در نظر گرفته می‌شود.

در اقتصاد متعارف، اصطلاح سرمایه برای پول سرمایه‌گذاری‌شده در یک طرح تولیدی اطلاق می‌شود و برای آن نیز هزینه‌ای به‌عنوان بهره در نظر می‌گیرند. در ساختار اقتصاد اسلامی، در بازار سرمایه پرداخت بهره به‌عنوان هزینه استخدام پول ربا بوده و ممنوع می‌باشد؛ چراکه در اسلام، پول فقط به‌عنوان واسطه مبادله به رسمیت شناخته شده است و زمانی قابلیت اخذ سود را خواهد داشت که بتواند در فرایندهای اقتصادی تبدیل به کالا گردیده و به تبع نوسانات قیمتی کالا یا اجاره بهای آن کسب سود نماید. از این رو ساختار بازار سرمایه اسلامی، متفاوت از ساختار بازار سرمایه در اقتصاد متعارف شکل می‌گیرد. بازار سرمایه در دیدگاه اسلامی، بازاری است مبتنی بر مشارکت یا اجاره، در این بازار سرمایه‌های پولی نمی‌توانند بدون گذر از مجرای اقتصاد واقعی به سود دست یابند.

از منظر سیستمی، از آنجایی که مبارزه با فقر، هدف نظام اقتصادی است و زیر نظام‌های آن نیز نسبت به تحقق این هدف مسئولیت دارند، میزان مسئولیت هر زیر نظام به اندازه توانایی آن در مبارزه با فقر تعریف می‌شود. با توجه به اینکه ربا در منابع اسلامی یکی از علل فقر و نابرابری در جامعه معرفی شده است، حکم به ممنوعیت ربا از دیدگاه سیستمی، حکمی در راستای مبارزه با فقر و نابرابری محسوب گردیده و تغییر ساختار بازار سرمایه در اقتصاد اسلامی را می‌توان تغییری ساختاری برای جلوگیری از فقر و نابرابری در اقتصاد دانست.

۸،۳،۲. اصلاح ساختار بازار نیروی کار

در منابع اسلامی یک دسته از روایات، کار کردن را مایه شرف و آبرو و عامل برطرف شدن فقر می‌دانند و دسته دیگر از روایات بیان می‌کنند که کار کردن نباید به نحوی باشد که تمام زندگی فرد را فراگیرد و او را از یاد خدا یا تفریح و استراحت غافل نماید. وجه جمع بین این دو دسته از روایات در این است که افراد بخشی از اوقات خود را به کارکردن اختصاص دهند تا در برآوردن احتیاجات خود نیازمند دیگران نباشند و فقیر نباشند و باقی مانده وقت خود را به امورات عبادی و تفریحات سالم بپردازند.

از منظر اسلام زندگی هر فرد باید چنان تنظیم شود که علاوه بر ضروریات طبیعی مانند خواب و خوراک، حداقل دارای سه بخش باشد: ۱. اوقات عبادت؛ ۲. اوقات کسب درآمد؛ ۳. اوقات تفریح و لذت. اگر هریک از این سه بخش دیگران را مغلوب خود قرار دهد و فرصت کافی را از آنان سلب کند، «تعادل زندگی مطلوب» به هم خورده و نمی‌توان آن را بر الگوهای اسلامی منطبق دانست (سروش، ۱۳۷۵: ۶۹).

این مسئله به استناد فرمایشی از امیرالمؤمنین (ع) است که: «برای عاقل سه زمان متصور است: زمانی که به دنبال معاش خود باشد، زمانی که به دنبال معاد خود باشد و

زمانی که به دنبال لذت‌ها و خوشی‌های حلال خود باشد»^۱. در روایت دیگر، از امام کاظم (ع) وارد شده است: «تلاش کنید وقت خود را به چهار قسمت تقسیم کنید ساعتی برای مناجات با خدا، ساعتی برای تأمین معیشت، ساعتی برای معاشرت با دوستان آگاه که عیوب شما را به شما بگویند و ساعتی برای لذت‌های حلال خود اختصاص دهید و با این ساعت بر سه ساعت دیگر قدرت یابید» (ابن شعبه حرانی، ۴۰۴: ۴۱۰).^۲

هرچند با نگاه اولیه به این روایات، توصیه‌های شخصی به افراد فهمیده می‌شود که در حیطة برنامه‌ریزی فردی می‌گنجد. ولی با در کنار هم قرار دادن این روایت و روایات دیگر، و با به کارگیری نگرش کلان نگر، رهیافت‌های کلانی قابل درک است. اینکه یک فرد تمام وقت مفید خود را به کارکردن اختصاص دهد به گونه‌ای که از عبادت و تفریح باز بماند از نظر اسلام مطلوب نیست. از نظر اسلام ساختاری مطلوب است که در آن فرد بتواند با اختصاص بخشی از زندگی خود به کار، امرار معاش نموده و درعین حال فقیر نگردد و با آسودگی خیال به سایر بخش‌های زندگی از جمله عبادت و تفریح بپردازد. حال با توجه اینکه افراد به‌تهایی توانایی مقابله با ساختارها و الزامات برآمده از آن را ندارند، برای تحقق توصیه‌های این‌چنینی ساختارها را باید اصلاح نمود.

پیشنهاد اسلام برای اصلاح ساختار بازار کار را به نحوی که مانع بروز فقر در جامعه گردد، می‌توان در ساختار پیشنهادی اسلام برای بازار کار دریافت. یکی از این اصلاحات پیشنهادی اسلام در بازار نیروی کار، که در راستای هدف مبارزه با فقر نیز می‌باشد

۱. وَ قَالَ عَ إِنَّ لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثَ سَاعَاتٍ فَسَاعَةٌ يَنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ وَ سَاعَةٌ يُحَاسِبُ فِيهَا نَفْسَهُ وَ سَاعَةٌ يُخَلِّي بَيْنَ نَفْسِهِ وَ بَيْنَ لَدَائِنِهَا فِيمَا يَحِلُّ وَ يَجْمَلُ وَ لَيْسَ لِلْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ شَاخِصًا إِلَّا فِي ثَلَاثِ مَرَمَةٍ لِمَعَاشِهِ وَ خَطْوَةٍ لِمَعَادِهِ أَوْ لَدَّةٍ فِي غَيْرِ مُحْرَمٍ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۵، ص ۴۰).

۲. وَ عَنِ الرَّسُولِ ص: وَ عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ لَهُ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ سَاعَةٌ يَنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ وَ سَاعَةٌ يُحَاسِبُ فِيهَا نَفْسَهُ وَ سَاعَةٌ يَخْلُو فِيهَا لِمَطْعَمِهِ وَ مَشْرَبِهِ وَ هَذِهِ عَوْنٌ عَلَى تِلْكَ السَّاعَتَيْنِ (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵: ج ۳، ص ۲۹۶).

۳. «اجتهدوا في أن يكون زمانكم أربع ساعات ساعة لمناجاة الله و ساعة لأمر المعاش و ساعة لمعاشرة الإخوان و الثقات الذين يعرفونكم عيوبكم و يخلصون لكم في الباطن و ساعة تخلون فيها للذاتكم في غير محرم و بهذه الساعة تقدرون على الثلاث ساعات» (ابن شعبه حرانی، ۴۰۴: ۴۱۰).

مربوط به قراردادهای بازار کار است. در اسلام قرارداد حاکم بر بازار نیروی کار، نه تنها منحصر در قرارداد اجاره نیست، بلکه طبق نظر برخی فقها اجاره در عمل (اجاره نیروی کار) مکروه می‌باشد (کلینی، ۴۰۷ق: ج ۵، ص ۹۰). از طرف دیگر اسلام قرارداد مشارکت را در بازار کار تجویز می‌کند و به کارفرمایان پیشنهاد می‌دهد که به صورت مشارکتی نیروی کار استخدام نمایند.

مرحوم کلینی سه حدیث نقل می‌کند که دلالت دارند اجیر شدن مؤمن جایز است؛ ولی شخصی که می‌تواند به صورت مستقل کار کند، مناسب نیست اجیر دیگری شود. علتی که در روایات آمده، این است که شخصی که اجیر می‌شود، آنچه به دست می‌آورد، از آن صاحب کار است و روزی خود را محدود می‌سازد. با توجه به این تعلیل ذکر شده در روایت و ارشادی بودن آن و صحت اجاره، نهی در روایات، به کراهت حمل شده است... اگر اجاره نفس را مکروه بدانیم، باید در ابتدا معنای کراهت معلوم شود: آیا به معنای کراهت ارشادی (بهره‌مندی کمتر از فواید کار) است یا به معنای مورد پسند نبودن نزد خداوند متعال؟

اگر به معنای دوم باشد، در واقع عرضه نیروی کار به صورت اجاره نفس، نمی‌تواند در هر شرایطی صحیح باشد؛ بلکه فقط در حالت اضطرار معنا می‌یابد. از این رو شیوه جایگزین آن، استقلال در کار یا مشارکت است (مضاربه، مساقات و مزارعه). در واقع شرع، مایل است که شخص در سود کار شریک باشد و از مزایای درآمد کار بهره ببرد. البته درست است که گاهی بعضی اشخاص در کار، متضرر می‌شوند، ولی اگر کارگر دیگری باشند، مزد ثابتشان همیشه پابرجاست؛ ولی اولاً غالباً اشخاص، متضرر نمی‌شوند. ثانیاً شخصی که کارگر دیگری است، هر لحظه ممکن است بیکار شود (رضایی، ۱۳۸۷: ۴۰۳).

وارد کردن قرارداد مشارکت در بازار کار موجب می‌شود انگیزه انجام درست کار برای کارگر بالاتر برود و در عین حال دریافتی بیشتر از حالت اجاره برای کارگر ایجاد می‌شود. همچنین در زمان بحران‌های اقتصادی فشار پرداخت دستمزد ثابت، بر کارفرما

وارد نمی‌گردد.

۸,۳,۳. ممنوعیت تولید اسراف‌آلود

در منابع اسلامی اسراف یکی از علل بروز فقر و در زمره مذموم‌ترین رفتارهای بشری دانسته شده است. در قرآن کریم مسرفین برادران شیطان^۱ خوانده شده‌اند. اسراف به معنای مصرف بی‌رویه^۲ و نادرست از منابع، در فرایند تولید نیز قابل‌تصور است. با توجه به اینکه در فرایند تولید، مواد اولیه مصرف شده و تبدیل به محصول نهایی می‌گردند، بروز اسراف در این فرایند نیز ممکن است. اسراف در فرایند تولید به دو شیوه قابل‌تصور است: ۱. کالاها به صورت غیربهبینه و غیرکارا تولید شوند، یعنی در فرایند تولید در مصرف مواد اولیه زیاده‌روی گردد. ۲. کالاهایی تولید گردد که موردنیاز جامعه نیست و به‌نوعی تولید آنها استفاده غیربهبینه از منابع جامعه محسوب می‌گردد.

۸,۴. مبارزه با فقر در بخش توزیع

با توجه به اینکه اسلام فقر را ناشی از توزیع ناعادلانه می‌داند و نه کمبود منابع، بخش مهمی از بار رفع فقر، بر دوش بخش توزیع و نهادهای توزیعی قرار دارد. از این رو اسلام برای توزیع و بازتوزیع منابع دستورهای متعددی دارد و معتقد است از آثار رعایت اصول اسلامی در بخش توزیع، رفع فقر می‌باشد.^۳

۸,۴,۱. اصلاح ساختار توزیع

نظام اقتصادی اسلام، برخلاف سایر نظام‌های اقتصادی، نسبت به توزیع منابع اولیه تولید میان اقشار مختلف نیز نظر دارد. شهید صدر در کتاب اقتصادنا این فرایند را،

۱. «إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا» (إسراء: ۲۷).

۲. «السَّرْفُ وَالإِسْرَافُ: مُجَاوِزَةُ الْقَصْدِ» (لسان العرب، واژه، السرف).

«الإسراف الصرف زیاده‌علی ما ینبغی» (مجمع البحرین، واژه، السرف).

۳. قَالَ الصَّادِقُ (ع): «إِنَّمَا وَضِعَتِ الرِّكَازَةُ اخْتِبَارًا لِلْأَغْنِيَاءِ وَ مَعُونَةً لِلْفُقَرَاءِ وَ لَوْ أَنَّ النَّاسَ أَدَّوْا زَكَاةَ أَمْوَالِهِمْ مَا بَقِيَ مُسْلِمٌ فَقِيرًا مُحْتَاجًا وَ لَأَسْتَعْنَى بِمَا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ» (صدوق، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ص ۳).

«توزیع قبل از تولید» نام نهاده است (صدر، ۱۳۹۷ق: ۴۱۴). ایشان این مسئله را با توجه به احکام خاص اسلام در دسترسی به منابع اولیه تولید استنباط نموده‌اند. احکامی از قبیل تعریف حق تصرف برای تحجیرکننده و آبادکننده زمین‌های موات، قرار دادن حق مالکیت برای حیات‌کننده مباحات عامه، و قراردادن شروط و محدودیت برای مالکیت معادن و انفال، از جمله دستورهای ناظر به مسئله توزیع پیش از تولید در اسلام محسوب می‌گردد.

از دیدگاه اسلام اصلاح ساختار توزیع، علاوه بر توزیع منابع اولیه ثروت، در سطح توزیع ثانویه و توزیع درآمدها نیز باید صورت پذیرد. در این خصوص نیز دستورهای مختلف توزیعی و بازتوزیعی در اسلام وجود دارد.

۲، ۴، ۸. اصلاح ملاک استحقاق درآمد

یکی از راهکارهای نظام اقتصادی اسلام برای مبارزه با فقر، تغییر ملاک استحقاق درآمد است. در جوامع انسانی زمانی شخص مستحق دریافت درآمد است که در قبال آن کاری انجام داده باشد یا مالک ابزاری باشد که با اجاره آن، از عواید ناشی از اجاره بهره‌مند گردد. هر چند اسلام این شیوه از تقسیم درآمد را تأیید می‌نماید، ولی آن را برای بالندگی جامعه بشری کافی نمی‌داند و ملاک دیگری با عنوان «نیاز»^۱ برای استحقاق درآمد تعریف می‌نماید؛ چراکه در دستورهای اسلامی تأمین نیاز فقرا تا سطح کفاف از بیت‌المال و اموال ثروتمندان واجب است (رجایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۶). با افزودن این ملاک، کسانی که به هر دلیلی توان مالی لازم برای اداره زندگی خود ندارند و نیاز به کمک‌های مالی برای امرار معاش دارند، مستحق دریافت کمک‌های دولتی و مردمی در قالب زکات و صدقه برای تأمین معیشت خود می‌باشند.

۱. بِإِسْنَادِهِ عَنْ حَرِيْزِ بْنِ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي حَدِيثٍ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَرَضَ لِلْفُقَرَاءِ فِي مَالِ الْأَغْنِيَاءِ مَا يَسَعُهُمْ وَ لَوْ عَلِمَ أَنَّ ذَلِكَ لَا يَسَعُهُمْ لَرَادَهُمْ إِيْنَهُمْ لَمْ يُؤْتُوا مِنْ قَبْلِ فَرِيضَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَكِنْ أُوتُوا مِنْ مَنَعٍ مَنْ مَنَعَهُمْ حَقَّهُمْ لَا مِمَّا فَرَضَ اللَّهُ لَهُمْ وَ لَوْ أَنَّ النَّاسَ أَدَوْا حُقُوقَهُمْ لَكَانُوا عَائِشِينَ بِخَيْرٍ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۹، ص ۱۰).

بدین ترتیب اسلام با درنظر گفتن کرامت انسان‌ها و برای پیشگیری از تبعات فقر، بدون توجه به علت نیازمندی فرد، او را به صرف داشتن «نیاز» به کمک مالی مستحق دریافت کمک مالی می‌داند و بر حاکم مسلمانان است که او را از بیت‌المال تأمین نماید. این تدبیر اسلامی به مبارزه مستقیم با فقر شدید و نسبی در جامعه می‌پردازد.

۳، ۴، ۸. تحريم ربا

اسلام برخی قراردادهای تجاری بشری، از جمله قراردادهای ربوی را ممنوع و باطل اعلام نموده است و ربا را یکی از علل بروز فقر می‌داند. در روایتی در تفسیر آیه «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ» امام صادق (ع) می‌فرمایند: «اگر رباخوار از گناه خود توبه نکند، دین خود را از بین برده و اگر توبه کند، مال خود را از دست می‌دهد و فقیر می‌گردد».^۱ (صدوق، ۱۴۱۳ق: ج ۳، ص ۲۷۹). علاوه بر اینکه با تعلیل چرایی بطلان قراردادهای ربوی، یکی از علت‌های بطلان این قراردادها برهم خوردن توازن اقتصادی و متروک شدن احسان و نیکی در جامعه ذکر شده است.^۲ مسئله‌ای که منجر به برهم خوردن توازن اقتصادی و در نتیجه گسترش فقر در جامعه است. در برخی دیگر از روایات از جنبه دیگری به ربا و اثر آن بر گسترش فقر اشاره نموده‌اند. رواج ربا در جامعه موجب ترک تجارات و کاهش فعالیت‌های مفید اقتصادی می‌گردد^۳ و مشخص است که کاهش فعالیت‌های اقتصادی منجر به کاهش تولید و افزایش بیکاری و در نتیجه افزایش فقر می‌گردد.

۱. وَ سَأَلَ رَجُلٌ الصَّادِقَ عَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَ قَدْ أَرَى مَنْ يَأْكُلُ الرِّبَا يَرْبُو مَالَهُ فَقَالَ فَأَيُّ مَحْقٍ أَمْحَقُ مِنْ دَرِهِمْ رَبًّا يَمْحَقُ الدِّينَ فَإِنْ تَابَ مِنْهُ ذَهَبَ مَالُهُ وَ أَقْتَرَفَ» (صدوق، ۱۴۱۳ق: ج ۳، ص ۲۷۹).

۲. «عَلَّةُ تَحْرِيمِ الرِّبَا بِالنَّسِيئَةِ لِعَلَّةِ ذَهَابِ الْمَعْرُوفِ وَ تَلَفِ الْأَمْوَالِ وَ رَغْبَةِ النَّاسِ فِي الرِّبْحِ وَ تَرْكِهِمْ لِلْقَرْضِ وَ الْقَرْضُ صَنَاعُ الْمَعْرُوفِ وَ لِمَا فِي ذَلِكَ مِنَ الْفَسَادِ وَ الظُّلْمِ وَ فَنَاءِ الْأَمْوَالِ» (همان: ۵۶۶).

۳. سَأَلَتْ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنْ عَلَّةِ تَحْرِيمِ الرِّبَا قَالَ «إِنَّهُ لَوْ كَانَ الرِّبَا حَلَالًا لَتَرَكَّ النَّاسُ التَّجَارَاتِ وَ مَا يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ فَحَرَّمَ اللَّهُ الرِّبَا لِنَفْرِ النَّاسِ عَنِ الْحَرَامِ إِلَى التَّجَارَاتِ وَ إِلَى الْبَيْعِ وَ الشَّرَاءِ فَيَفْضَلُ ذَلِكَ بَيْنَهُمْ فِي الْقَرْضِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۸، ص ۱۲۰).

با وجود اینکه تحریم ربا از جنبه‌های مختلفی قابل تعلیل است، با توجه به روایات ذکر شده، یکی از مهم‌ترین جنبه‌هایی که موجب تحریم ربا و قراردادهای ربوی گردیده، مسئله فقرزایی و برهم خوردن توازن اقتصادی جامعه است. اسلام با تحریم ربا یکی از سرچشمه‌های بروز فقر و بی‌عدالتی در جامعه را مسدود کرده است.

۸،۴،۴. انعطاف‌پذیری مالیات‌ستانی با توجه به شرایط اقتصادی

از دیرباز، مالیات‌ها یکی از منابع اصلی درآمد دولت‌ها بوده و میزان آن مستقیماً توسط خود دولت‌ها تعیین می‌شده است. این ویژگی مالیات به دولت‌ها امکان مداخله غیرمستقیم در اقتصاد را می‌داده و امروزه نیز یکی از ابزارهای در اختیار دولت‌ها در تنظیم امور اقتصادی جامعه می‌باشد. درآمدهای مالیاتی دولت‌ها متأثر از شرایط اقتصادی جامعه، کم یا زیاد می‌گردد. مالیات‌هایی که دولت‌ها از مردم می‌گیرند، به دلیل آثار توزیعی آن از اهمیت بالایی برخوردارند.

از منظر اسلام، یکی از دیگر عوامل ساختاری بروز فقر در جامعه و در واقع یکی از موانع کسب و کار در جامعه، نظام نامتناسب مالیاتی است. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در نامه به مالک اشتر، در خصوص مالیات‌ستانی در شرایط سختی و تنگدستی و به اصطلاح رکودی می‌فرماید:

باید اندیشه‌ات در آبادی زمین از تدبیرت در جمع‌آوری مالیات بیشتر باشد؛ زیرا مالیات جز با آباد کردن زمین به دست نمی‌آید، و هر کس بخواهد منهای آباد نمودن مالیات بگیرد، شهرها را خراب کرده، و بندگان خدا را به هلاکت انداخته، و حکومتش جز اندک زمانی نماند. اگر مالیات‌دهندگان از سنگینی مالیات، یا بر خورد به آفات، یا خشک شدن چشمه‌ها، یا کمی باران، یا تغییر زمین بر اثر آب گرفتگی یا بی‌آبی شکایت کنند، مالیات را به اندازه‌ای که اوضاع آنان بهبود یابد، تخفیف ده، و این تخفیف خرجی آنان بر تو سنگین نیاید؛ زیرا تخفیف تو ذخیره‌ای است که با آباد کردن شهرهای تو و آرایش حکومتت به تو بازمی‌گرداند (شریف الرضی، ۱۳۸۶: ۶۹۴).

امیرالمؤمنین علی (ع) در این فراز از نامه به مالک اشتر سفارش می‌کنند اولاً در مالیات‌ستانی با رفق و مدارا با مالیات‌دهندگان برخورد کند. ثانیاً تلاش خود را بر گسترش آبادانی جامعه قرار دهد تا بتواند از این طریق درآمد مالیاتی بیشتری کسب نماید. ثالثاً در رکودها از فشار مالیاتی بر مردم بکاهد تا چرخ اقتصاد جامعه بچرخد و آبادانی جامعه تداوم داشته باشد که اگر غیر از این باشد، موجب هلاک و خرابی خواهد شد.

نکته‌ای که از دستور ایشان در این نامه به‌عنوان یک اصل اقتصادی قابل برداشت است، اینکه افزایش درآمد مالیاتی دولت نباید از طریق افزایش نرخ مالیاتی صورت گیرد؛ بلکه بهترین راه افزایش درآمد مالیاتی دولت‌ها تلاش برای بهبود فضای کسب و کار و در نتیجه افزایش افراد مالیات‌دهنده می‌باشد. علاوه بر این، نرخ‌های مالیاتی باید متناسب با شرایط اقتصادی جامعه قابل تعدیل باشند. در شرایط رکود و سختی اقتصادی نرخ‌های مالیاتی کاهش یابند و در شرایط رونق، مالیات‌ها به روال عادی خود بازگردند؛ چراکه اگر این انعطاف وجود نداشته باشد موجب عمیق‌تر شدن رکود و گسترش ویرانی و در نتیجه فقر در جامعه می‌گردد. نکته دیگر در خصوص این توصیه حضرت علی (ع)، آن است که راه خروج از رکودی که منجر به آبادانی گردیده و کمترین صدمه را به افراد جامعه وارد نماید، اتخاذ نوعی سیاست انبساطی مالی با کاهش نرخ مالیات می‌باشد.

۸.۴.۵. خمس و زکات

خمس و زکات به‌عنوان مالیات‌های اسلامی، از بااهمیت‌ترین واجبات مالی اسلام می‌باشند که امتناع از پرداخت آنها موجبات برخوردهای شدید دنیوی و اخروی را فراهم می‌سازد. برخورد پیامبر با قبایلی که از پرداخت زکات امتناع می‌کردند، تا سطح برخورد نظامی شدت می‌یافت (مکارم، ۱۳۷۴: ج ۲۲، ص ۱۵۴).^۱ از سوی دیگر، خمس و زکات به‌عنوان دو فرع از فروع دین اسلام مطرح بوده و نپرداختن آنها عذاب اخروی

۱. برای توضیحات بیشتر رک: تفاسیر، شأن نزول آیه ۶ سوره حجرات.

را نیز در پی خواهد داشت. مهم‌ترین مورد مصرف خمس و زکات در اسلام، مصرف آن در رفع نیاز فقرا و مساکین^۱ می‌باشد.

خمس و زکات مالیات‌هایی هستند که از افراد دارای مازاد و اغنیا ستانده می‌شود و به فقرا پرداخت می‌گردد. با مروری بر شرایط و جوب خمس و زکات می‌توان دریافت این مالیات‌ها هدفمند بوده و دهندگان آن فقط قشر غنی جامعه می‌باشند و از سوی دیگر یکی از مهم‌ترین موارد مصرف آن، معطوف به قشر فقیر جامعه است. به عبارت دیگر زکات و خمس به طور مستقیم در دستگیری از نیازمندان به کار می‌روند. مقایسه نهاد خمس و زکات با نهادهای خیریه موجود در نظام سرمایه‌داری از جهات گوناگون نادرست است. اصولاً چنین نهادهایی در نظام سرمایه‌داری، توانایی رفع فقر از جامعه را ندارند و برای این منظور نیز طراحی نشده‌اند، بلکه وجود این نهادها بیشتر برای ساماندهی امور خیریه و پاسخ به نیازهای عاطفی انسان‌ها صورت گرفته است. این مسئله را می‌توان از ساختار این نهادها و میزان کمک‌های انسان‌دوستانه به آنها درک کرد؛ چراکه اولاً پرداخت‌های به این نهادها، غیرالزامی می‌باشد و ثانیاً مقدار آن کمک‌ها نیز به میزان تمایل مشارکت‌کنندگان بستگی دارد و مصرف منابع به دست‌آمده از آنها نیز به کسانی اختصاص می‌یابد که دچار فقر شدید می‌باشند.

خمس و زکات به عنوان مالیات‌های اسلامی با کمک‌های خیرخواهانه از جنبه‌های مختلفی تفاوت دارد. اولاً برخلاف پرداخت‌های خیریه، پرداخت خمس و زکات الزامی است و برای نپرداختن آن عواقب دنیوی و اخروی زیادی بیان شده است. ثانیاً در روایات بیان گردیده که میزان پرداخت آن برای هر فرد غنی به اندازه‌ای تعیین شده است که می‌تواند فقر را در جامعه ریشه‌کن نماید. ثالثاً مقدار پرداخت آن به نیازمندان به اندازه‌ای است که او بتواند با آن تمام نیازهای خود را تا رسیدن به سطح معیشت عمومی جامعه تأمین نماید.

۱. «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (توبه: ۶۰).

تعبیه خمس و زکات در نظام مالیات‌ستانی اسلامی گواهی بر توجه ویژه اسلام به پرداخت مستقیم کمک‌های مالی به نیازمندان برای رفع مشکلات جاری آنها در کوتاه‌مدت می‌باشد.

۸،۴،۶. صدقات و انفاقات مستحب و کفارات

کمک‌های خیریه در جوامع غیراسلامی قابل‌مقایسه با انفاقات مستحبی است که در جوامع اسلامی وجود دارد و تحت عنوان صدقه طبقه‌بندی می‌شود. صدقات مستحبی، انفاقات مالی است که الزامی در پرداخت آنها وجود ندارد و باید فقط برای تأمین نیاز فقرای جامعه مصرف گردد.

در منابع اسلامی بر عناوین مختلفی زکات بار شده که زکات در نه‌چیز واجب (خمنی، ۱۴۲۶ق: ۳۸۳) و در بقیه موارد مستحب دانسته شده است. مواردی از زکات که از نظر فقهی مستحب دانسته شده است، مانند برنج و محصولات باغی، در صورت پرداخت نیز باید صرف نیازمندان و مستمندان جامعه گردد.

زکات مستحب فقط در امور مالی خلاصه نمی‌شود. برخی روایات از جریان زکات در علم‌آموزی و خدمات آموزشی حکایت دارد. در این روایات، «زکات علم تعلیم آن به بندگان خدا»^۱ و به تعبیر دیگر «زکات علم نشر آن»^۲ دانسته شده است.

این مسئله از این جهت اهمیت دارد که با توجه به آنچه در بخش شاخص‌های فقر درباره فقر قابلیت‌بیان گردید. طبق تعریف، فقیر قابلیت کسی است که توانایی خروج از وضعیت فقر را ندارد. با توجه به اینکه یکی از قابلیت‌هایی که برای رهایی از فقر لازم است علم و دانش است، شمول زکات بر علم و قرار دادن وظیفه نشر رایگان علم بر دوش عالمان، به‌عنوان مشوقی بر عرضه علم، راهکاری است که می‌تواند ریشه‌های فقر

۱. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: «زَكَاةُ الْعِلْمِ أَنْ تُعَلِّمَهُ عِبَادَ اللَّهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ص ۴۱).

۲. الإمام علی (ع): «زكاة العلم، نشره، و بذله لمستحقه، و إجهاد النفس في العمل به» (حکیمی، ۱۳۸۰: ج ۶، ص ۴۱۰).

قابلیتی را در جامعه، بدون تحمل هرگونه منت و محنتی بر فقرا بخشکاند. از سوی دیگر روایات بسیاری ریشه فقر را در تنبلی و تن‌پروری معرفی نموده‌اند. در جامعه فقرا نیز انگیزه لازم برای تقاضای علم جهت خروج از فقر تقویت می‌گردد و بدین‌سان راهکار اسلام برای مبارزه با فقر از جنبه فقر قابلیت در جامعه به هدف مطلوب خود، یعنی خشکاندن ریشه‌های فقر، نزدیک می‌گردد.

یکی دیگر از واجبات مالی که برای مصرف فقرای جامعه اسلامی طراحی شده، کفارات مختلفی است که در صورت بروز تخلف از دستورهای دینی، فرد متخلف باید آن را بپردازد. موارد مصرف کفارات به‌طور مستقیم به اقشار محروم جامعه برمی‌گردد. از آن جمله می‌توان به اطعام فقرا و آزاد نمودن بردگان - هرچند امروزه مصداقی ندارد - اشاره نمود.

۸.۵. مبارزه با فقر در بخش مصرف

به اعتقاد اسلام فقر، ناشی از کمبود منابع نبوده، بلکه به‌دلیل توزیع نامناسب در جامعه پدید آمده است. باین‌حال اسلام به ردیابی و خشکاندن ریشه‌های فقر در سایر بخش‌های اقتصاد، بی‌توجه نبوده است. از این‌رو برخی از رفتارهای مصرفی را نیز به‌عنوان ریشه‌های فقر معرفی نموده و خواستار اصلاح این رفتارها برای مبارزه با فقر می‌گردد.

۸.۵.۱. مبارزه با اسراف

اسراف به معنای زیاده‌روی در استفاده از منابع یا استفاده نادرست از منابع از منظر اسلام یکی از عوامل بروز فقر است. با توجه به نقش اسراف در از بین رفتن نعمت‌های الهی و آثار نامطلوب آن بر اقتصاد خانوار و جامعه، و تأیید نقش اسراف در بروز فقر در جامعه، اسلام به تحریم و ممنوعیت آن حکم کرده و تلاش کرده است از این طریق علاوه بر پاسداری از نعمت‌های الهی، انگیزه افراد را در مصرف کالاها تعدیل می‌نماید. از دیدگاه اسلام - برخلاف نظام سرمایه‌داری - مصرف بیشتر مطلوب نیست؛ بلکه آنچه

مطلوب است، مصرف به‌اندازه و درست منابع خدادادی است. از منظر اقتصادی نیز این مطلب قابل دفاع است؛ چراکه اسراف و زیاده‌روی در مصرف موجب مشغول شدن بیش از حد منابع جامعه به تولید کالاهای اسراف‌شده می‌گردد و با توجه به کمیابی منابع، جامعه در تخصیص منابع به نیازهای اصلی خود دچار مشکل می‌گردد.

۸،۵،۲. تشویق به رعایت اقتصاد و تقدیر معیشت

یکی دیگر از عوامل فقر که در روایات به آن اشاره شده، عدم رعایت میانه‌روی و تقدیر معیشت است. تقدیر معیشت و رعایت اعتدال در مخارج زندگی، از نظر اسلام تأثیر بسزایی در جلوگیری از فقر دارد؛ به‌گونه‌ای که در برخی روایات امام معصوم (علیه السلام) فرموده‌اند: «تضمین میکنم برای کسانی که رعایت اعتدال در مخارج را می‌نمایند، دچار فقر نخواهند گردید».^۱ در روایات مشابهی کمال انسانی متوقف بر اموری دانسته شده که یکی از این امور تقدیر معیشت^۲ دانسته شده است. این تعابیر در خصوص میانه‌روی و تقدیر معیشت، بیانگر اهمیت و وزن بالای این مسائل در جلوگیری از فقر است.

نکته قابل توجه اینکه عدم تقدیر معیشت الزاماً به معنای اسراف نیست. تقدیر معیشت به معنای رعایت اولویت‌های هزینه‌ای در مخارج زندگی می‌باشد. عدم تقدیر معیشت به این صورت قابل تصور است که ممکن است درآمد فرد برای تأمین معاش خود به‌اندازه کافی بوده باشد، ولی به دلیل رعایت نکردن اولویت‌های مصرفی و خرج کرد درآمد خود در مصارف غیرضرور، از تأمین ضروریات زندگی خود باز ماند. بنابراین این مسئله با اسراف تفاوت دارد. اسراف ناظر به استفاده بیش از اندازه یا نادرست از منابع در اختیار می‌باشد. از این رو این دو عنوان به صورت مستقل آورده شده است.

۱. عَنْ مُدْرِكِ بْنِ أَبِي الْهَزْهَازِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: «صَمِتْ لِمَنْ اقْتَصَدَ أَنْ لَا يَفْتَقِرَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۳، ص ۵۳).

۲. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: «الْكَمَالُ كُلُّ الْكَمَالِ التَّفَقُّهُ فِي الدِّينِ وَالصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ وَالتَّقْدِيرُ الْمَعِيشَةَ» (همان: ج ۱، ص ۳۲).

۹. مبارزه با فقر در ایران

سابقه برنامه‌های مبارزه با فقر در ایران به پیش از انقلاب اسلامی بازمی‌گردد. در برنامه‌های اول تا سوم توسعه پیش از انقلاب (۱۳۲۸-۱۳۴۶) سرفصلی برای مبارزه با فقر یا توزیع عادلانه منابع ذکر نشده، ولی بر بهبود شاخصه‌های مرتبط با فقر تأکید شده بود. در برنامه چهارم و سپس پنجم توسعه پیش از انقلاب، مسئله توزیع عادلانه درآمد و گسترش عدالت اجتماعی به صورت پررنگ‌تر آورده شد، ولی برنامه مدون و مشخصی برای این منظور تدارک دیده نشده بود (مدنی قهفرخی، ۱۳۹۲: ۱۸۴).

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مبارزه با فقر به عنوان یکی از وظایف دولت در قانون اساسی جمهوری اسلامی آورده شد. نهادهایی نیز برای رسیدگی به امور محرومان و طبقات فقیر جامعه تشکیل گردید. کمیته امداد امام خمینی (ره) برای خدمت‌رسانی به محرومان و سازمان بهزیستی برای خدمت‌رسانی به معلولان که عموماً از افراد کم‌بضاعت یا بی‌بضاعت جامعه هستند، تشکیل گردید.

کمیته امداد با هدف «ارائه خدمات حمایتی، معیشتی و فرهنگی برای تأمین نیازمندان و محرومان داخل و خارج کشور به منظور تأمین خوداتکایی، تقویت و رشد ایمانی با حفظ کرامت انسانی» تشکیل گردیده و در این راستا اقدام به «حمایت‌های مادی و معنوی نیازمندان و ارتقای سطح زندگی آنها در حدامکان، فراهم نمودن امکانات لازم به منظور خوداتکا نمودن افراد و خانواده‌های تحت حمایت از طریق ایجاد اشتغال، پرداخت مستمری اعطای وام قرض الحسنه و تهیه مسکن و...» می‌نماید (دفتر آمار و فناوری اطلاعات کمیته امداد، ۱۳۸۴: ۱۱).

فقرزدایی در ایران بعد از انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۸۴ محدود به فعالیت‌های کمیته امداد امام خمینی و سازمان بهزیستی ماند. هرچند بعد از پایان جنگ تحمیلی برنامه‌های مختلف توسعه اقتصادی که از سال ۱۳۶۸ به بعد اجرا گردید، همواره بر محورهای افزایش رفاه اجتماعی و مبارزه با فقر با تأکید بر کاهش تورم، کاهش بیکاری و... استوار بود.

اولین اقدام دولتی در مبارزه با فقر را می‌توان مربوط به «گزارش فقرزدایی در کشور جمهوری اسلامی ایران به انضمام لایحه پیشنهادی» (۱۳۷۵) دانست که به تصویب هیئت دولت نرسید. در سال ۱۳۷۹ دومین گزارش با عنوان «برنامه مبارزه با فقر و افزایش درآمد خانواده‌های کم درآمد» نیز به هیئت دولت تقدیم شد که آن نیز به تصویب نرسید. پس از آن «سند کاهش فقر و هدفمند کردن یارانه‌ها» (۱۳۸۴)، و برنامه‌های توانمندسازی از قبیل توانمندسازی زنان خودسرپرست و سرپرست خانوار (۱۳۸۴)؛ و برنامه ملی چتر ایمنی رفاه اجتماعی (۱۳۸۴)، به تصویب هیئت وزیران رسیده و اجرایی گردید، ولی همگی در فقرزدایی ناکام بودند (مدنی قهفرخی، ۱۳۹۲: ۱۵۷-۱۷۵).

علت‌های مختلفی برای موفقیت آمیز نبودن این برنامه‌ها در اقتصاد ایران برشمرده‌اند. مدنی قهفرخی (۱۳۹۲) ضمن بررسی برنامه‌های متعدد توسعه و فقرزدایی اجرا شده در ایران، عواملی را در ناکامی این برنامه‌ها مؤثر می‌داند که برخی از مهم‌ترین آنها عبارت است از:

- الف) رویکرد عارضه‌نگر و نه ساختارنگر به فقر؛
- ب) جامع نبودن برنامه‌های ارائه شده برای مبارزه با فقر؛
- ج) نداشتن پشتوانه علمی و اجرایی در برنامه‌های مبارزه با فقر؛
- د) ناهماهنگی میان برنامه‌های ارائه شده و قوانین و مقررات جاری؛
- ه) نادیده گرفتن نقش اشتغال در مبارزه با فقر؛
- و) آشفتگی مفاهیم، اصطلاحات و پیش‌فرض‌ها: مثلاً ارائه مبنای مختلف در تعریف فقر؛

ز) ارائه راه حل‌های نامنسجم و بی ربط در این برنامه‌ها؛

ح) ابهام منابع مالی این برنامه‌ها (مدنی قهفرخی، ۱۳۹۲: ۱۷۵-۱۸۲).

برخی از محورهای آسیب‌شناسی ارائه شده، ناظر به مقام اجرای قوانین بوده و بعضی دیگر ساختارهای نامناسب را مورد نقد قرار می‌دهند. باید توجه داشت که اهمیت اصلاح

ساختارهای نامناسب بسیار بیشتر از اصلاحات اجرایی می‌باشد؛ زیرا اصلاحات ساختاری مانع بروز فقر در جامعه می‌گردند؛ درحالی‌که اصلاحات اجرایی موجب کاهش تبعات فقر در جامعه می‌شوند.

۹.۱. اصلاح ساختارهای اقتصاد ایران با کمک از رهیافت‌های اقتصاد اسلامی

یکی از مشکلات طرح‌های مبارزه با فقر - که بیشتر آنها به دلیل همین مشکل به مرحله اجرا نرسیدند - کمبود منابع مالی این طرح‌ها بوده است. ریشه این مشکل در نوع برخورد با پدیده فقر است؛ چراکه تمرکز این طرح‌ها بیشتر بر پرداخت‌های مالی به فقرا برای خروج از فقر بوده است، نه اصلاح ساختارهای اقتصادی. این در حالی است که تجربه سایر کشورها نیز حکایت از ناکارآمدی این سیاست‌ها دارد. موفقیت این طرح‌ها در برخی دیگر از کشورها با این لحاظ سنجیده می‌شود که اگر این طرح‌ها قطع شوند، چه میزان به جمعیت فقرا اضافه می‌شود؛ معیاری که نشان از آن دارد که اجرای طرح نوعی وابستگی فقرا به درآمدهای یارانه‌ای دولتی را به دنبال دارد و نه ریشه‌کن نمودن فقر.

از این رو مهم‌ترین محور آسیب‌شناسی طرح‌های مبارزه با فقر در ایران و حتی سایر کشورهای جهان را می‌توان در این دانست که به صورت ساختاری به مبارزه با فقر نپرداخته‌اند.

رهیافت‌های اسلامی نشان می‌دهند که طرح‌های مبارزه با فقر می‌باید علاوه بر اعطای کمک‌های نقدی به فقرا - که در همه طرح‌های اجرا شده و پیشنهاد شده مبارزه با فقر دیده می‌شود - ساختارهای اقتصادی نیز اصلاح گردد تا فقر به کلی ریشه‌کن گردد. اهمیت اصلاح ساختاری از این جهت قابل بیان است که زمانی که ساختار، تولید فقیر نکند، طرح‌های حمایت مالی از فقرا با تمرکز بر روی جمعیت محدودتر خدمات بهتری به افراد ارائه می‌دهند. یکی از ایرادات به عملکرد کمیته امداد امام خمینی (ره) - که توسط مدنی قهفرخی (۱۳۹۲) اشاره شده بود - این است که کمیته امداد به جای تمرکز

بر قشر تحت پوشش، با افزایش بودجه خود سعی نموده افراد بیشتری را تحت پوشش خود بگیرد. این ایراد در واقع به عملکرد کمیته امداد برنمی‌گردد، بلکه ناظر به وجود ساختار نامناسبی است که در طول سال‌های مختلف در حال تولید فقر است و کمیته امداد نیز از آنجایی که خود را موظف به حمایت از فقرا می‌داند، ناچار به گسترش افراد تحت پوشش خود می‌باشد.

آنچه در ادامه پیرامون اصلاحات لازم برای اقتصاد ایران ارائه می‌گردد، در واقع مکمل پیشنهادهای اصلاحی طرح‌ها و لوایح مبارزه با فقری است که تاکنون به تصویب رسیده یا به اجرا درآمده و به اعتقاد نگارنده، نبود این اصلاحات در ساختارهای اقتصادی سبب گردیده است که آن لوایح و طرح‌ها در اجرا شکست بخورد.

اصلاحات ساختاری مورد نیاز در اقتصاد ایران برای مبارزه با فقر، با کمک از رهیافت‌های اسلامی را می‌توان در سه حوزه تولید و توزیع و مصرف ارائه نمود. همچنین این اصلاحات را باید در حوزه وضع قوانین و زیرساخت‌های قانونی لازم برای اجرایی شدن این قوانین پیگیری نمود.

۹.۲. اصلاح ساختارهای توزیع در جامعه

اصلاح ساختارها برای ریشه‌کنی فقر در نظام اقتصادی، مستلزم اعمال تغییراتی در تمام زیرنظام‌های جامعه به نفع ریشه‌کنی فقر می‌باشد. از دیدگاه اسلام توزیع نامناسب منابع یکی از مهم‌ترین عوامل بروز فقر در جامعه می‌باشد.

در اقتصاد ایران نهادهای مختلفی برای حمایت از اقشار ضعیف جامعه وجود دارد که هر کدام موظف به پوشش قشر خاصی از اقشار ضعیف جامعه و حمایت مستقیم مادی و معنوی از آنها می‌باشند از جمله آنها می‌توان به کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی اشاره نمود. اصلاحات برآمده از روش بررسی سیستمی بیش از آنکه پیشنهادهای حمایتی از اقشار ضعیف و آسیب‌پذیر ارائه دهد، در پی ریشه‌یابی و اصلاح ساختارهای موجد فقر در سیستم اقتصادی ایران می‌باشد؛ مسئله‌ای که در طرح‌های

ارائه شده برای حمایت از اقشار ضعیف کمتر مورد توجه واقع شده بود.

۹.۳. اصلاح نظام حقوق و دستمزد

در بخش اصلاح ساختار بازار نیروی کار، بیان گردید که در نظام اسلامی دستمزدهای فردی باید به گونه‌ای باشد که فرد با اختصاص بخشی از روز خود به کار، کسب درآمد نماید و بخش‌های دیگر روز به عبادت و سایر وظایف خانوادگی و اجتماعی خود پردازد. از سوی دیگر این درآمد باید به اندازه‌ای باشد که با یک وعده کار بتواند خود را از گرفتار شدن در دام فقر برهاند.

یکی از علل ساختاری فقر در ایران را باید، نظام حقوق و دستمزد ناکارآمد حاکم بر اقتصاد ایران دانست. ناکارآمدی این نظام پرداخت، در مبارزه با فقر بی‌نیاز از اثبات است. با وجود اینکه نظام حقوق و دستمزد در ایران از نظر ساختار همانند بسیاری از کشورهای جهان می‌باشد که در آن یک پایه حقوق ثابت با توجه به سطح تحصیلات و سابقه کار به علاوه فوق‌العاده‌ها و پاداش‌ها تعیین می‌گردد، ولی کافی نبودن حقوق‌های پرداختی در این نظام بزرگ‌ترین تفاوت آن با سایر نظام‌های حقوق و دستمزد است. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارشی از مقایسه تطبیقی نظام حقوق و دستمزد در ایران با کشورهای هندوستان، ژاپن، امریکا و کره جنوبی، به این نتیجه می‌رسد:

آنچه تفاوت نظام پرداخت کشور ایران با کشورهای توسعه‌یافته است، شامل موارد زیر است: ۱. در کشورهای توسعه‌یافته افزایش میزان پرداخت متناسب با افزایش عملکرد و بهره‌وری است. ۲. در کشورهای توسعه‌یافته میزان پرداخت از کفایت لازم برای تأمین هزینه زندگی برخوردار است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۳).

به عبارت دیگر در ایران، دو نوع فقیر وجود دارد: فقیر بیکار و فقیر شاغل. فقیر بیکار به دلیل نداشتن شغل و درآمد فقیر می‌باشند و افراد دارای شغل نیز به دلیل کافی نبودن درآمدها، زیر خط فقر قرار داشته و فقیر محسوب می‌گردند. این مسئله یکی از

اصلی‌ترین ریشه‌های تولید روزافزون فقر در ایران است. هرگونه طرح مبارزه با فقری که این مسئله در آن نادیده گرفته شده باشد، محکوم به شکست خواهد بود. با کمک از آنچه درخصوص برنامه جامع اسلام برای مبارزه با فقر بیان گردید، می‌توان پیشنهادهایی برای اصلاح نظام حقوق و دستمزد ایران نیز ارائه داد. پیشنهاد اینکه قراردادهای کار علاوه بر قرارداد اجاره ثابت، به سمت قراردادهای مشارکت کارگر و کارفرما سوق داده شود و مشوق‌های مادی و معنوی برای کارفرمایان و کارگران برای انعقاد این نوع قراردادها در نظر گرفته شود. از طرفی دیگر قرارداد اجاره با دستمزد ثابت در صورتی منعقد گردد که میزان پرداختی در این قراردادها حداقل به میزان خط فقر اعلامی در جامعه باشد.

زیرساخت‌های قانونی لازم برای تغییر قراردادهای کار به سمت قراردادهای مشارکتی وجود دارد. با استناد به قانون کار ایران، قرارداد کار می‌تواند به اشکال مختلفی منعقد گردد. یکی از این قراردادها قرارداد اجاره ثابت است و انواع دیگر مشارکتی نیز در این قانون مجاز شمرده شده است و اینکه در قراردادهای مشارکتی سهم کارگر باید در قرارداد ذکر شود. در تبصره یک ماده ۹ قانون کار آمده است: «اصل برصحت کلیه قراردادهای کار است، مگر آنکه بطلان آنها در مراجع ذیصلاح به اثبات برسد» (قانون کار، مصوب ۱۳۹۰). از نظر قانونی ساختار لازم برای اجرای این پیشنهاد وجود دارد و در اجرا با وضع مشوق‌هایی می‌توان قراردادها را به سمت قراردادهای مشارکتی سوق داد.

یکی از زیرساخت‌های موجود در اقتصاد ایران که همه‌ساله به نوعی مبنای پرداخت‌ها به نیروی کار در طول سال قرار می‌گیرد، سازوکار تعیین حداقل دستمزد توسط شورای عالی کار است. به این معنی که همه‌ساله شورای عالی کار اقدام به تعیین حداقل دستمزد پرداختی به کارمندان می‌نماید. با وجود اینکه یکی از معیارهای حداقل دستمزد خط فقر اعلامی است ولی شورای عالی کار از تعیین حداقل دستمزد در سطح خط فقر امتناع دارد چرا که معتقد است موجب بروز مشکلات اقتصادی برای بنگاه‌ها

در پرداخت دستمزد می‌گردد و موجب بروز تنشهای اقتصادی در جامعه می‌گردد. این در حالی است که ریشه این مشکل، بیش از آنکه در ناکارآمدی این سیاست باشد، در ناکارآمدی ساختار پرداختهای حاکم بر بازار کار است؛ زیرا به دلیل ناکارآمدی ساختار فقط یک نوع قرارداد - اجاره ثابت - در قراردادهای کار اعمال می‌شود.

در مقام اجرا نیز در مرحله اول ممکن است بعضی کارفرمایان از پرداخت چنین دستمزدهایی امتناع نمایند، به این دلیل که کسب و کار آنها تکافوی پرداخت چنین دستمزدهایی را نمی‌دهد. در این صورت آنها می‌توانند از قراردادهای مشارکتی برای تأمین نیروی کار خود استفاده نمایند. استفاده از قراردادهای مشارکتی استخدام نیروی کار، هم برای کارگر و هم برای کارفرما مزیت‌هایی دارد. اولین کاری که کارفرمایان در دوران رکود برای کاهش هزینه‌های خود انجام می‌دهند اخراج نیروی کار است؛ چراکه درآمدهای بنگاه تکافوی پرداخت دستمزدهای ثابت کارگران را نمی‌دهد، با اجرای قراردادهای مشارکتی در بازار کار، مشکل هزینه‌های ثابت پرداخت دستمزد نیروی کار برای بنگاهها کاهش می‌یابد. از سوی دیگر نیروی کار نیز به دلیل مشارکت در فرایند تولید، احساس مسئولیت بیشتری نموده و تلاش خود را برای افزایش کیفیت و فروش محصولات، دوچندان می‌نماید. این فرایند به سود کارفرما نیز تمام می‌شود. کارگر نیز با شراکت در فرایند تولید در دوران رونق به درآمد بالاتر از قبل دست می‌یابد. این افزایش درآمد کارگر، و به تبع آن افزایش مصرف تا سطح متوسط مصرف جامعه، موجب می‌شود که اقتصاد نیز با کاهش تقاضای مؤثر به‌عنوان یکی از عوامل رکود مواجه نگردد. از سوی دیگر کارگر در دوران رکود نیز تلاش می‌نماید تا با ابزارهای مختلف و ارائه نوآوری در خدمت خود موجب افزایش فروش بنگاه گردد.

۹.۴. اصلاح ساختار تأمین اجتماعی

یکی از عوامل بروز فقر در ادوار زندگی افراد، بروز سوانح و حوادث ناخواسته در زندگی است. تحمیل هزینه‌های زیاد درمانی و یا ازکارافتادگی، فرد را ناخواسته در

ورطه فقر فرو می‌برد. در نظام سرمایه‌داری سازمان‌های تأمین اجتماعی برای حمایت از افراد آسیب دیده از این حوادث یا از کارافتادگان یا بازنشسته گان طراحی گردیده است. اما ساختار تأمین اجتماعی که در نظام سرمایه‌داری تعریف شده است، برای تأمین تمام اقشار فقیر جامعه کارآیی ندارد؛ زیرا در این ساختارها عموماً افراد برای بهره‌مندی از مزایای تأمین اجتماعی باید پرداخت‌هایی به بیمه‌های درمانی و... داشته باشند. مسئله‌ای که از عهده بسیاری از اقشار فقیر جامعه خارج است و از این رو مشاهده می‌شود در جوامع سرمایه‌داری نیز بخش قابل توجهی از جامعه از خدمات تأمین اجتماعی بی‌بهره‌اند.

از رهنمودهای اسلامی برداشت می‌شود که تأمین زندگی از کارافتادگان بر عهده حکومت اسلامی بوده و باید هزینه‌های این‌چنینی، از بیت‌المال صورت پذیرد. امیرالمؤمنین (ع) در برخورد با پیرمرد از کارافتاده مسیحی که مشغول تکدی‌گری بود می‌فرماید: «از او تا زمان پیری کار کشیدید و اکنون که پیر و ناتوان شده است، از او منع می‌کنید؟ خرج او را از بیت‌المال پردازید»^۱ (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۵، ص ۶۶).

وجود از کارافتادگان فاقد حداقل‌های حمایتی از قبیل بیمه درمانی و مقرری ماهانه در جامعه اسلامی به هیچ عنوان با اصول تأمین اجتماعی اسلامی سازگار نیست. از این رو یکی دیگر از اولویت‌های اصلاح ساختاری برای مبارزه با فقر، اصلاح نظام تأمین اجتماعی یا تعریف نظام خدمات رفاهی هم‌ارز با تأمین اجتماعی برای اقشار ضعیف جامعه دانست. به نحوی که این افراد نیز بتوانند با مکانیزمی از خدمات درمانی و تأمین اجتماعی بهره‌مند گردند.

تقویت نهادهایی همانند کمیته امداد امام خمینی (ره)، و سازمان بهزیستی کشور که در قبال ضعیف‌ترین اقشار جامعه مسئولیت مستقیم دارند و ارتباط دادن آنها با سازمان

۱. مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ يَأْتِيهِ بِسَنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ رَجُلٍ بَلَغَ بِهِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ «أَمْرٌ شَيْخٌ مَكْفُوفٌ كَبِيرٌ يَسْأَلُ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع مَا هَذَا قَالُوا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ نَصْرَانِيٌّ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع اسْتَعْمَلْتُمُوهُ حَتَّى إِذَا كَبُرَ وَعَجَزَ مَنَعْتُمُوهُ أَنْفَقُوا عَلَيْهِ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ».

تأمین اجتماعی - با توجه به تعدیل پرداختی‌های این سازمان به اعضای خود در سطح خط فقر - می‌تواند تا حدودی مشکلات مددجویان این دو سازمان را حل نماید و از گسترش فقر در جامعه جلوگیری کند.

۹.۵. اصلاح نظام مالیاتی کشور

مالیات‌های نابجا و نامتناسب به‌عنوان یکی از موانع رونق اقتصادی به‌طور غیرمستقیم با مسئله بروز و گسترش فقر در جامعه مرتبط می‌باشد. مالیات‌ها بخشی از هزینه‌های تولید را تشکیل می‌دهند. اگر میزان مالیات‌ها به‌اندازه‌ای زیاد باشد که با درآمد فعالان اقتصادی تناسب نداشته باشد، موجب خروج فعالان اقتصادی بسیاری از جریان اقتصاد شده و به معضل بیکاری تبدیل می‌گردد. به‌عبارت‌دیگر به رکود و در نتیجه به گسترش فقر دامن می‌زند.

نظام مالیاتی باید به‌گونه‌ای منعطف تعریف گردد که بتواند قابلیت انطباق با شرایط اقتصادی و سیکل‌های تجاری عارض شده بر جامعه را داشته باشد. برای نمونه، می‌توان پایه مالیاتی را از مواردی همچون سود تعریف نمود که در دوران رکود کاهش می‌یابد و در دوران رونق افزایش می‌یابد، تا نظام مالیاتی به صورت خودکار مخالف سیکلی عمل نماید و یا اینکه در دوران‌های رکود و معضلات اقتصادی نرخ‌های مالیاتی کاهش یابد تا هزینه‌های تولید کاهش پیدا کرده و کسب و کار در جامعه از جریان بازنیستند. از رهنمودهای اسلامی که در کلام امیرالمؤمنین (ع) مشهود بود می‌توان برداشت نمود که به طور کلی افزایش درآمدهای مالیاتی باید از طریق افزایش مالیات‌دهندگان صورت پذیرد، نه افزایش نرخ‌های مالیاتی. چنین راهبردی اقتضا دارد که دولت‌ها تمام تلاش خود را برای برپا ماندن تولید در جامعه مبذول دارند تا بتوانند درآمدهای پایدار و بیشتری از طریق مالیات‌ستانی داشته باشند.

روی دیگر اتخاذ چنین راهبردی این است که مصرف‌کنندگان و افراد پایین‌تر از خط فقر از معافیت‌های مالیاتی بهره‌مند باشند؛ زیرا با توجه به میل نهایی به مصرف بالا در

این افشار، اعمال چنین سیاستی موجب افزایش درآمد قابل تصرف آنها می‌گردد. از آنجایی که عمده تقاضای ایشان در مصرف کالاهای اساسی و ضروری در جامعه است، افزایش مصرف این قشر از جامعه تضمین‌کننده وجود تقاضای ثابت برای تولید کالاهای اساسی و در نتیجه پایداری بازار این کالاها می‌گردد و از گسترش فقر در جامعه نیز جلوگیری می‌نماید. با در نظر داشت این نکته که دولت اسلامی مسئول رفع فقر در جامعه اسلامی است، منافع حاصل از ممانعت از ورود افراد جدید به دایره فقرا، مستقیماً عاید دولت می‌شود.

۹.۶. اصلاح ساختار تولید و مصرف

بخش تولید به‌عنوان یکی دیگر از زیرنظامهای نظام اقتصادی در دستیابی به هدف رفع فقر می‌تواند تاثیر گذار باشد. مسئله اسراف و اتراف به‌عنوان یکی از ریشه‌های اصلی بروز فقر در جامعه مطرح می‌باشد که در بخش تولید و بخش مصرف خودنمایی می‌کند.

۹.۶.۱. اصلاح ساختار تولید

دولت‌ها همواره با توجه به اولویت‌های تولیدی در جامعه به کمک ابزارهای اقتصادی و مالی نقش هدایت‌کننده بخش تولید در جامعه را بر عهده داشته‌اند. همواره سیاست‌های تشویقی خرید تضمینی گندم و برنج یا سایر محصولات استراتژیک یکی از ابزارهای مورد استفاده دولت‌ها، برای جهت‌دهی به تولیدات کشاورزی در کشور بوده است. از آنجایی که یکی از مجاری اسراف در جامعه تولید اسراف‌آلود است، اصلاح ساختار تولید کشور و سوق دادن بخش تولید به استفاده از تکنولوژی‌های جدید یا به کارگیری روش‌های با بهره‌وری بالاتر می‌تواند یکی از اقدامات دولت‌ها برای مبارزه با فقر تلقی گردد. از جمله این موارد می‌توان به حمایت‌های تعرفه‌ای و مالیاتی از کارخانجاتی اشاره کرد که به دنبال نوسازی و افزایش بهره‌وری دستگاه‌های تولیدی خود می‌باشند.

علاوه بر استفاده از روش‌های تولید با بهره‌وری پایین، مصادیق دیگری برای تولید اسراف‌آلود در جامعه نیز قابل‌تصور است. در جامعه اسلامی تولیدکنندگان در تولید کالاها و خدمات مجاز، آزادی کامل دارند؛ از این‌رو دولت‌ها برای سوق دادن این بخش به تولید کالاهای مطلوب برای جامعه، به‌طور غیرمستقیم و از طریق حمایت‌های مادی و معنوی به بخش تولید جهت می‌دهند. با توجه به برنامه‌ریزی دولت‌ها در حمایت از بخش‌های مختلف تولیدی و با توجه به تعریف اسراف به استفاده نادرست از منابع، حمایت و برنامه‌ریزی برای تولید کالاهایی که نیازهای واقعی جامعه را دنبال نمی‌کنند و به دنبال تأمین نیازهای کاذب قشر خاصی از جامعه می‌باشند نیز می‌تواند از جمله مصادیق ترویج و حمایت از اسراف در جامعه باشد.

۹.۶.۲. اصلاح ساختار مصرف با فرهنگ‌سازی مقابله با اسراف

در جامعه اسلامی افراد در مصرف کالاها و خدمات از آزادی کاملی برخوردارند و برنامه‌ریزی مصرف خانوارها به خود آنها محول گردیده؛ چراکه مصرف هر خانواری تحت تأثیر عوامل مختلف شخصی از جمله سلیقه، درآمد و تعداد خانوار متغیر است. به‌همین جهت برنامه‌ریزی مصرف خانوارها از حیثه اختیارات نظام اقتصادی خارج است و مسئله‌ای کاملاً شخصی محسوب می‌گردد. لذا برای اصلاح ساختار مصرف جامعه و مقابله با اسراف فقط می‌توان با تبلیغات، آگاهی بخشی افراد، ایجاد مشوق‌ها و به‌طور خلاصه از طریق فرهنگ‌سازی اقدام نمود. دولت‌ها با اتخاذ راهبرد مبارزه با اسراف به‌عنوان یکی از عوامل بروز فقر در جامعه، می‌توانند نظام آموزشی و رسانه‌های گروهی را که دولت‌ها متولی برنامه‌ریزی آن می‌باشند، برای دستیابی به هدف اصلاح فرهنگ مصرف در جامعه بسیج نمایند و از این طریق به اصلاح ساختار مصرف جامعه بپردازند.

نتیجه

مبارزه با فقر با نگرش سیستمی به دستوره‌های اسلامی، راه‌حلی متفاوت‌تر از رویکردی که تاکنون در طرح‌ها و لوایح مبارزه با فقر ارائه می‌شد، مطرح می‌نماید. در این نوع نگرش خاص، بیش از آنکه بر اعطای کمک به فقرا و اقشار ضعیف تمرکز گردد، بر اصلاح ساختارهای فقرزا در سیستم اقتصادی تمرکز می‌گردد. مکانیزم عمل در این روش این است که با اصلاح سیستم و جلوگیری از ورود افراد جدید به جرگه فقرا، سازمان‌ها و نهادهای متولی حمایت از اقشار ضعیف با تمرکز بیشتر بر روی جامعه هدف خود می‌توانند با توانمندسازی یا حمایت‌های مادی و معنوی مختلف به خروج افراد تحت پوشش خود از دایره فقر کمک نمایند و از این طریق ریشه فقر در جامعه از بین خواهد رفت.

اصلاحات ساختاری که در اقتصاد ایران برای مبارزه با فقر باید مورد توجه قرار گیرند، به‌طور خلاصه در سه بخش تولید، توزیع و مصرف طبقه‌بندی می‌شوند. در بخش تولید، اصلاح ساختار تولید اسراف‌آلود با حمایت از نوسازی و افزایش بهره‌وری در تولید و عدم حمایت از تولید کالاهای غیرضروری و تجملاتی صورت می‌گیرد. در بخش توزیع، اصلاح نظام حقوق و دستمزد با تأکید بر دو ویژگی تکیه بیشتر بر قراردادهای مشارکتی میان کارگر و کارفرما، تعیین حداقل حقوق متناسب با خط فقر اعلامی در قراردادهای اجاره ثابت. همچنین اصلاح ساختار مالیاتی به گونه‌ای که در دوران‌های رکود هزینه‌هایی اضافی بر بخش‌های تولیدی تحمیل نکند و در نهایت اصلاح ساختار تأمین اجتماعی به گونه‌ای که همه اقشار ضعیف جامعه بتوانند از خدمات آن بهره‌مند گردند. با توجه به وظیفه حاکم اسلامی برای تأمین زندگی افراد از کارافتاده از بیت‌المال، این هدف می‌تواند از طریق پرداخت حق بیمه افراد فقیر توسط دولت یا به شیوه‌های مختلف دیگر تأمین گردد.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن ابی جمهور، محمد بن زید، عوالی اللعالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیه، قم: دارالشهداء للنشر، ۱۴۰۵.
۲. باقری، مجتبی و یدالله دادگر، «مطالعه تطبیقی حد فقر شریعت»، اقتصاد اسلامی، شماره ۲۵، ۱۳۸۶.
۳. بنیانیان، حسن، «چارچوب نظری شیوه‌های فقرزدایی در ایران اسلامی»، مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسئله فقر و فقرزدایی، ج ۱، تهران: نشر سازمان برنامه و بودجه مرکز مدارک اجتماعی - اقتصادی، ۱۳۷۵.
۴. پیران، پرویز، «فقر و جنبش‌های اجتماعی در ایران»، رفاه اجتماعی، شماره ۵، ۱۳۸۴.
۵. توکلی، محمدجواد و مرتضی صالحی، «تحلیل سیستمی نظام بانکی»، ویژه‌نامه اقتصادی معرفت، شماره ۲۱۸، ۱۳۹۴.
۶. حکیمی، محمدرضا و محمد حکیمی و علی حکیمی، الحیاه، ترجمه احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع)، ۱۴۰۹ق.
۸. حسن‌زاده، محمد و رضا میرزاابراهیمی، استراتژی کاهش فقر؛ تجربه کشورهای شرق آسیا، تهران: مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۶.
۹. حسینی، سیدهادی، فقر و توسعه در منابع دینی، تحت اشراف محمد حکیمی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۱.
۱۰. دفتر آمار و فناوری اطلاعات کمیته امداد، گزارش آماری کمیته امداد امام خمینی (ره)، تهران: خجسته، ۱۳۸۴.
۱۱. رجایی، سیدمحمدکاظم و سیدمهدی معلمی، درآمدی بر مفهوم عدالت اقتصادی و شاخص‌های آن، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۴.
۱۲. رضاییان، علی، تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم، تهران: سمت، چاپ ۱۵، ۱۳۹۱.
۱۳. رضایی، مجید، «دیدگاه‌های اقتصادی کلینی در الکافی و مقایسه اجمالی آن با

- دیدگاه شیخ صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه»، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی کلینی، ج ۲، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۷.
۱۴. درخشان، مسعود، نظام‌های اقتصادی، قم: فجر ولایت، ۱۳۸۷.
۱۵. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۷۷.
۱۶. سروش، محمد، «فقه و تعیین خط فقر»، مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسئله فقر و فقرزدایی، تهران، سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات، ۱۳۷۵.
۱۷. شریف‌الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه انصاریان، تهران: پیام آزادی، ۱۳۸۶.
۱۸. صدر، سیدمحمدباقر، اقتصادنا، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۱۹. صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۲۰. طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم، العروة الوثقی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹ق.
۲۱. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، قم: شریف رضی، ۱۴۱۲ق.
۲۲. طریحی، فخرالدین محمد، مجمع البحرین، مصحح احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی، چاپ ۳، ۱۳۷۵.
۲۳. غروی نخجوانی، سیداحمد، «فقر در خانوارهای ایرانی با نگاهی به نتایج طرح هزینه درآمد خانوار در ایران»، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۱۷، ۱۳۸۴.
۲۴. فراهانی‌فرد، سعید، نگاهی به فقر و فقرزدایی از دیدگاه اسلام، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۷.
۲۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم: هجرت، چاپ ۹، ۱۴۰۹ق.
۲۶. قانون کار جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۹۰.
۲۷. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ ۴، ۱۴۰۷ق.

۲۹. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۳۰. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، مطالعه تطبیقی نظام حقوق و دستمزد در چند کشور منتخب، ۱۳۸۳.
۳۱. _____، فقر و فقرزدگی در ایران، وضعیت نابرابری‌های درآمدی و اشتغال در ایران، ۱۳۸۲.
۳۲. مدنی قهفرخی، سعید، ضرورت مبارزه با پدیده فقر و نابرابری در ایران، تهران: آگاه، ۱۳۹۲.
۳۳. مکارم، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
۳۴. _____، رساله توضیح المسائل، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابیطالب (ع)، چاپ ۵۲، ۱۴۲۹ق.
۳۵. موسوی (خمینی)، روح‌الله، رساله توضیح المسائل، ۱۴۲۶ق.
۳۶. نوری، حسین، مستدرک الوسائل، قم: آل‌البیت، ۱۴۰۸ق.
۳۷. هیچینز، درک، کاربرد اندیشه سیستمی، ترجمه رشید اصلانی، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۶.